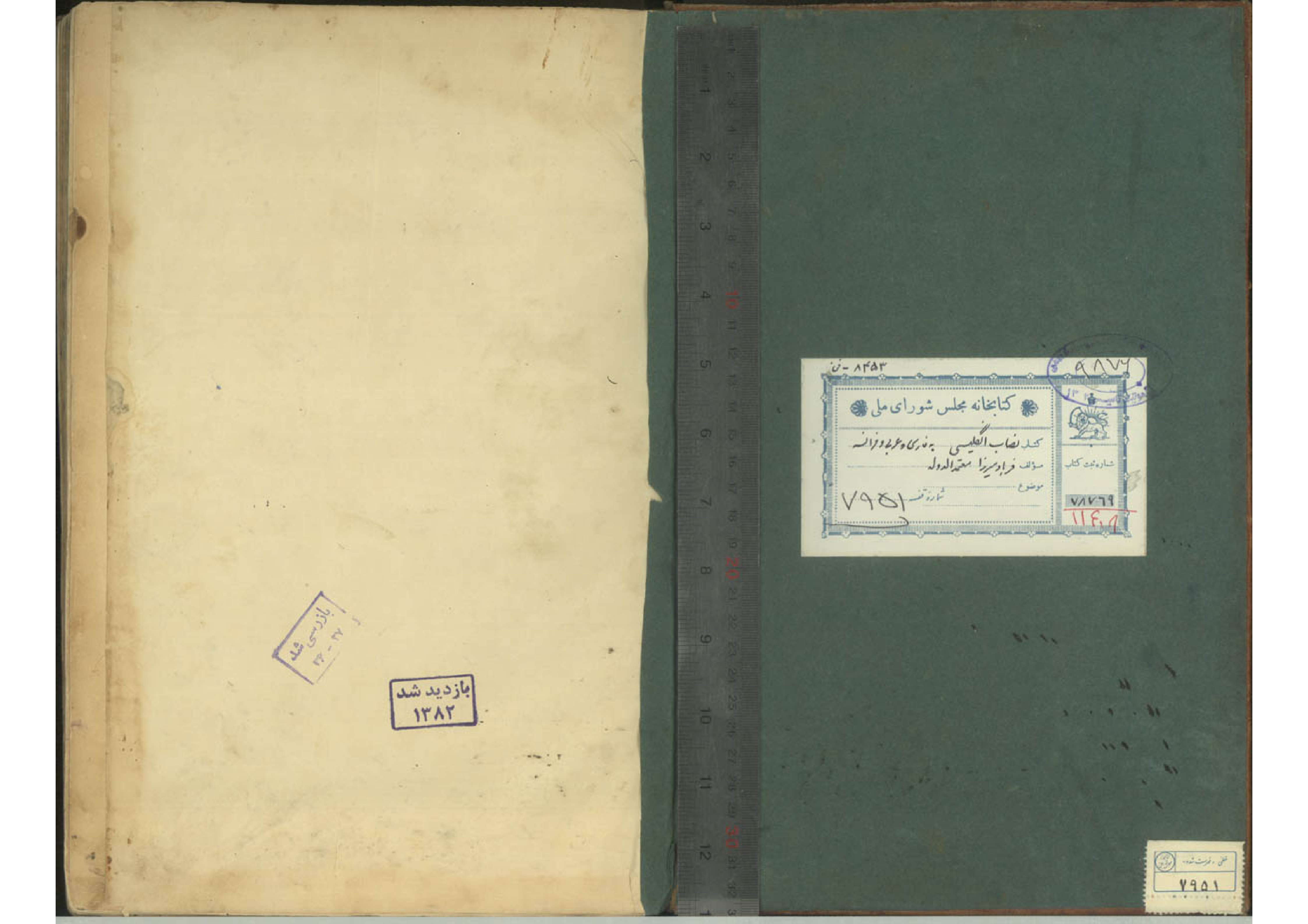
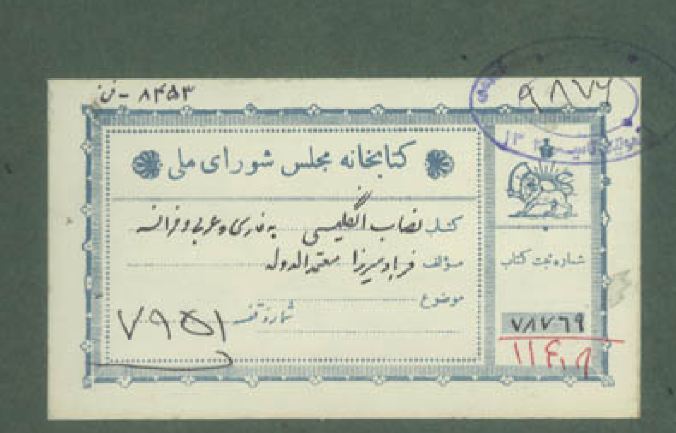
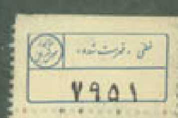


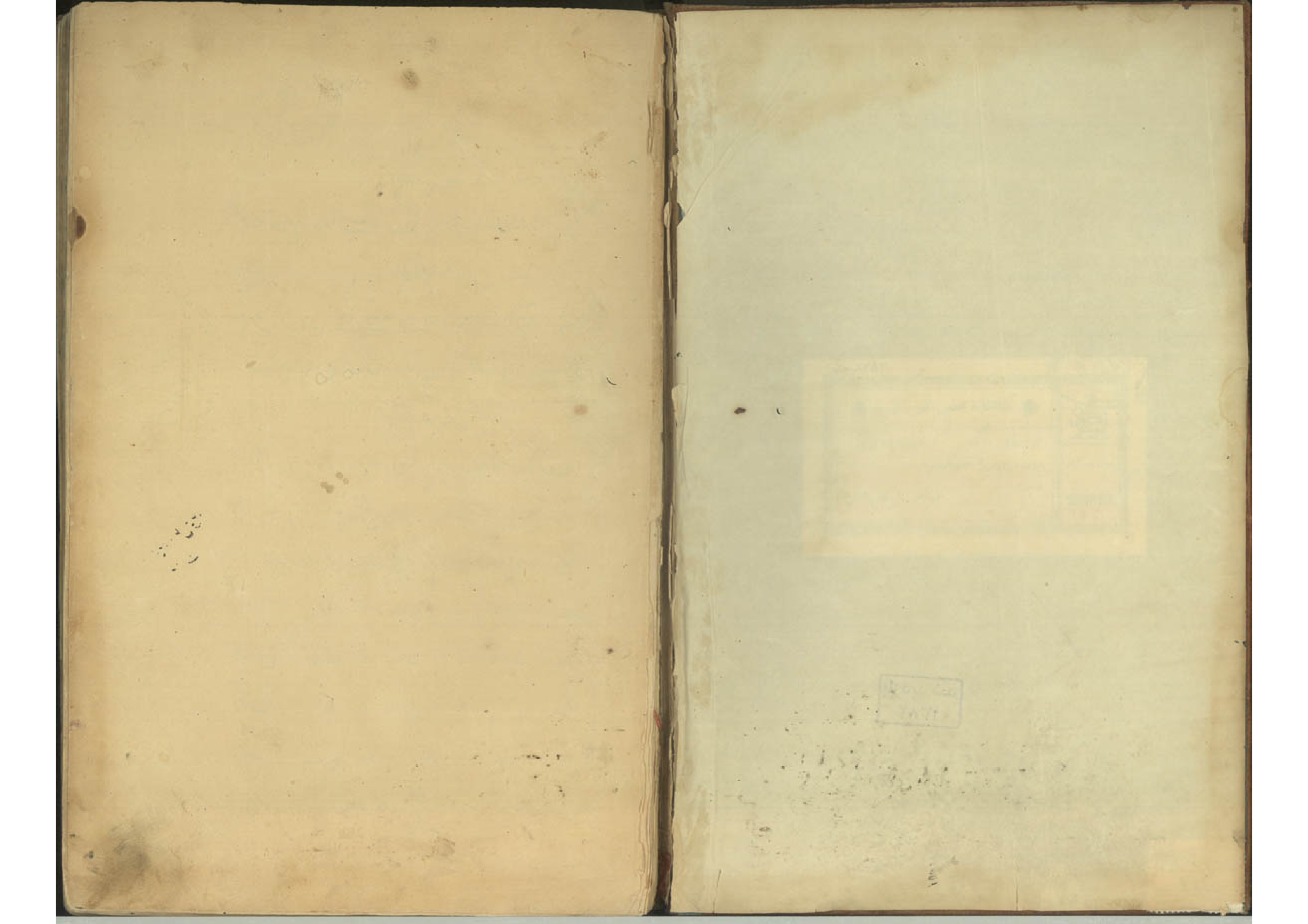
ن - ۸۴۵۳
۹۸۷۶
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب نصاب انگلیسی بفارسی و عربی و فرانسه
مؤلف فرهاد میرزا معتمدالدوله
موضوع
شماره قفسه ۷۹۵۱
شماره ثبت کتاب
۷۸۷۶۹
۱۱۴۰۹
بازرسی شد
۳۶ - ۳۷
بازدید شد
۱۳۸۲
نقل به فهرست شد
۷۹۵۱

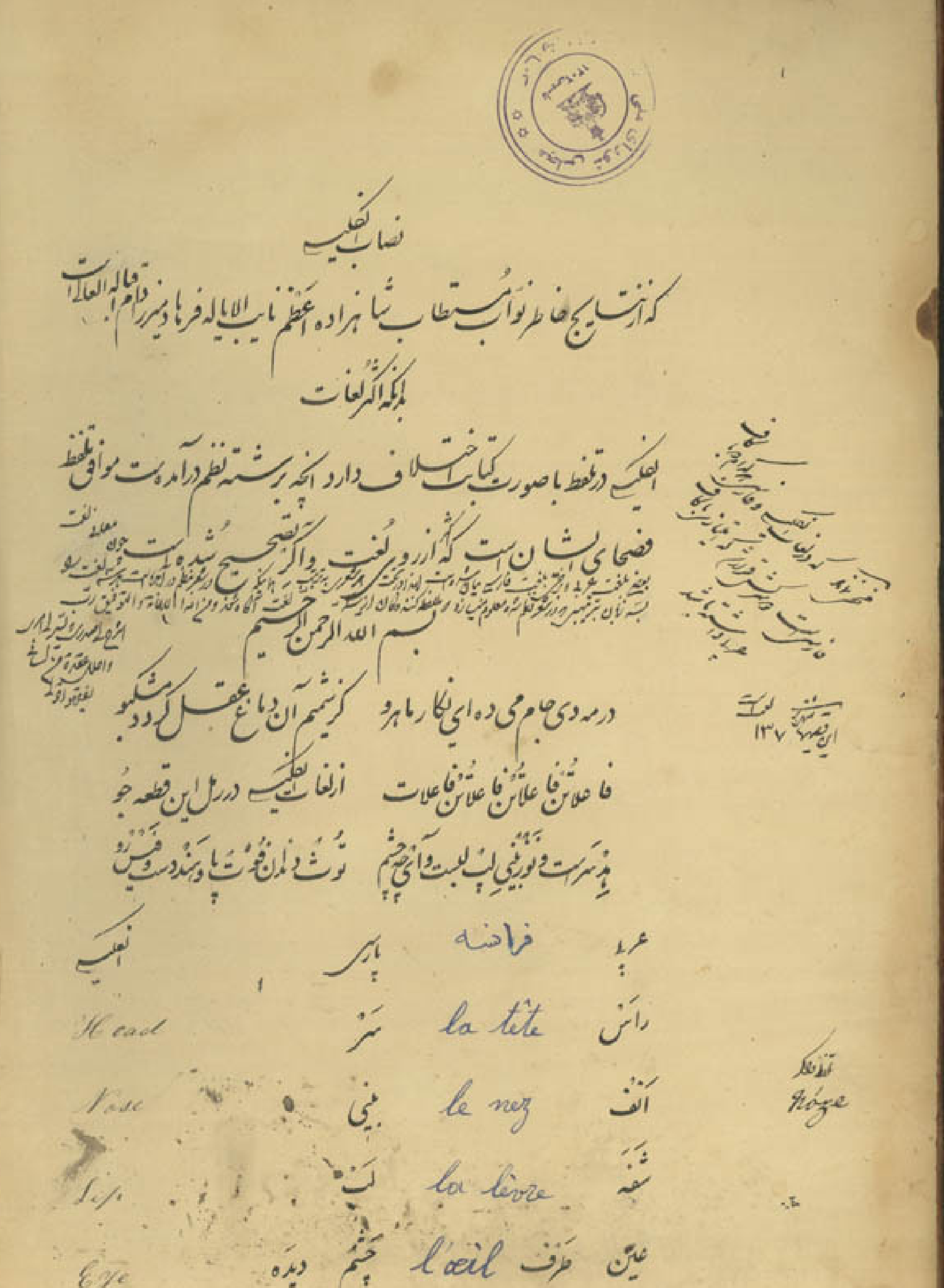


ن - ۸۴۵۳
۹۸۷۶
كتابخانه مجلس شوراى ملى
كتاب نصاب انگلیسی به فارسی و عربی و فرانسه
مؤلف فرهاد میرزا معتمدالدوله
موضوع
شمارهٔ ثبت ۷۹۵۱
شماره ثبت كتاب
۷۸۷۶۹
۱۱۴۰۹
بازرسی شد
۷۹۵۱


۸۴۵۳-ن
۹۸۷۶
كتابخانه مجلس شوراى ملى
كتاب نصاب انگليسى به فارسى و عربى و فرانسه
مؤلف فرهاد ميرزا معتمد الدوله
موضوع
شماره دفتر ۷۹۵۱
شماره ثبت كتاب
۷۸۷۶۹


فهرست شده
۷۹۵۱





نصاب انگلیسی

که از نتایج خاطر نواب مستطاب شاهزاده اعظم نایب الایاله فرمانفرما دیمیرزا دام اقباله العالی

بلغة اکثر اللغات

انگلیسی در تلفظ با صورت کتابت اختلاف دارد آنچه در رشته نظم درآمده است موافق تلفظ فصحای ایشان است که از روی لغت و اگر تصحیح شده است

بسم الله الرحمن الرحیم

درده دی جام می ده ای نگار ماهرو · کز شمیم آن دماغ عقل گردد مشکبو

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات · از لغات انگلیسی در رمل این قطعه جو

هد سر است و نوز بینی لپ لب است و آی چشم · توث دندان فوت پا و هند دست و فیس رو

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
رأس	la tête	سر	Head
أنف	le nez	بینی	Nose
شفة	la lèvre	لب	Lip
عین طرف	l'œil	چشم دیده	Eye

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
سن ضرس	la dent	دندان	Tooth
رجل	le pied	پا	Foot
ید	la main	دست	Hand
وجه محیّا	la figure	رو رخ	Face

گوش و گردن ابرو و مژگان چون بنگر آمد زبان · ناف و ... پستان را برم خوان ... مو

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
أذن سامعة	l'oreille	گوش	Ear
جید عنق	le cou	گردن	Neck
خد	~~le visage~~ la joue	چهره	Cheek
لسان	la langue	زبان	Tongue
سرّة	l'ombilic	ناف	Navel
ثدی ثندوة	le sein	پستان	& Bosom
شعر	le cheveux	مو	Hair

پر و ریش و ساید پهلو پشت بک سینه برست · چین و فن انگشت و فنگر چون شنوت آید گلو

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
لحیه	la barbe	ریش	Beard
جنب	le côté	پهلو	Side
ظهر	le dos	پشت	Back
صدر	la poitrine	سینه کلکل	Breast
ذقن	la ~~menton~~	زنخ	Chin
اصبع	le doigt	انگشت	Finger
حلق	la gorge	گلو	Throat

ارم بازو نی چه زانو تای چه ران اشکم بلی   آی شفر مژگان شمار ابرو برآخوان زنخ

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
عضد	le bras	بازو	Arm
رکبه	le genou	زانو	Knee
فخذ	la cuisse	ران	Thigh
بطن	le ventre	اشکم شکم	Belly

[illegible]

هرب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
هدب	le cil	مژگان مژه	Eyelashes
حاجب	le sourcil	ابرو	Eyebrow

ماه مون و مهر سن اسکای فلک دنیا ورلد   دیپ ژرف و نایت شب دی روز دان تمپر خو چه

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
قمر	la lune	زبرقان ماه لوخن	Moon
شمس	le soleil	غزاله مهر هور خور	Sun
فلک	le ciel	سپهر	Sky
دنیا	le monde	جهان گیتی	World
عمیق	profond	ژرف مغ	Deep
لیل	la nuit	شب	Night
یوم	le jour	روز روج	Day
ذات	le caractère	شیمه خو منش	Temper

اسپرینگ آمد بهار آتم بود فصل خزان   چون سمر صیف است و ونتر شد شتا بی گفتگو

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

[illegible]

Spring	بهار	le printemps	ربیع
Autumn	خزان برگ ریزان تیر	l'automne	خریف
Summer	تابستان	l'été	صیف
Winter	زمستان	l'hiver	شتا

ٲوتام
au-tām

Sŭm-măr

سو را خوانم جنوب و باختر را دان شمال
اینک مشرق را شمار و غرب را گیر

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
South		le sud	جنوب
North		le nord	شمال
East	خاور بتو	l'est	مشرق
West	باختر	l'ouest	مغرب

ارث خاک و وتید باد و نیز آتش و آثر آب
تفت گرما به هست و سپ صاحبون و مرگ جاریو

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Earth	خاک آجاک	le sol	صعید تراب
Wind	باد	le vent	ریح

[illegible]

نار

Fire	آتش ودواغ آذر	le feu	نار
Water	آب	l'eau	ماء
Bath	دیماس گرمابه گدوخ	le bain	حمام
Soap	برهوه	le savon	صابون
Market	چارسو بازار	le bazare	سوق marché

آیل را خوانم جزیره همچو اوشن را محیط
پورت بندر بی است دریا گلف هم ارزو

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Isle	آداک خوشت آبخون	l'île	جزیره
Ocean	دریای بزرگ اروند	l'océan	محیط
Port		le port	بندر
Sea	دریا دریاب	la mer	بحر یم قمقام یم
Gulf	پاره از دریا	le golfe	خلیج شرم

هیثیر آمد خواهر و فاذر پدر دانی چه هست
ولیف زوجه چون مادر نام در بود بدر بگو

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
اُخْت	la sœur	خواهر	Sister
اَب والِد	le père	پدر باب	Father
بِنْت	la fille	دخت دختر	Daughter
زَوْجَه بَعْلَه	l'épouse	جفت	Wife
اُمّ والِدَه	la mère	مادر مام	Mother
زَوْج بَعْل	le mari	شو شوهر	Husband

بَرَت قسمت بیم نام ار زشت بیا قدیم   شیرت پراهن بود و اسکرت دامن جرّه سبو

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
قِسْمَت	le sort	بهره	Part
اِسْم	le nom	نام	Name
قدیم	ancien	باستان دیرینه	Ancient
قمیص	la chemise	قرطه پیراهن کرته گاله	Shirt
ذیل	la pente	دامن	Skirt
جَرَّه	la cruche	سبو	Jar

بز

Blood Flood

good, Moon

شیپ باشد گوسفند و گوت بز میش آمین   خون بلد فاین چه رگ چون لیچ مانند زلو

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
شاة غنم	le mouton	گوسفند گوسپند	Sheep
مَعْز	la chèvre	بز بچ	Goat
صحرا مهمه فلاة مفازة	la plaine	دشت راغ	Plain
دَم عَلَق	le sang	خون رنگ	Blood
عِرْق	la veine	رگ	Vein
عَلَق	la sangsue	زلو دیوچه شلوک	Leech

چیپ را ارزان شمار بچو دیر آمد گران   زشت و بد را بد بدان و گود در خوب و نکو

Dère

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
رَخیص	Bon-marché	ارزان	Cheap
غالی	cher-ère	گران	Dear
رَدی	mal	زشت بد رنگ گشت	Bad
جَیِّد	bon	خوب نکو نیک	Good

My Dear

هُپ امید و خنده لَف گِریه کِرِی تاریک دارک لایت نور و اُلد کهنه چون نیو گردید نو

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
رجاء	l'espérance	امل امید بیوس	Hope
ضحک	le rire	خنده	Laugh
بکاء	le pleur	گریه مویه	Cry
مظلم	obscur-e	داج مُدلَهِم تاریک	Dark
نور	la lumière	ضوء تاب فروغ	Light
قدیم	usagé	خَلِق کهنه کهن	Old
جدید	nouveau	نو نَو	New

شارت چه کوتاه و لانگ آمد دراز و فار دور نیر شد نزدیک و های میدان بلند و لو پست

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
قصیر	courte	کوتاه	Short
طویل	longue	دراز	Long
بعید	loin	دور گال	Far

قرب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
قریب	près	نزدیک	Near
عالی	haute	بلند	High
خفض	bas	پست	Low

Lô

پشم وُل چون کاتن پنبه لفت چپ چون رایت راست فُل چه پر امتی چه خالی رُز گل اسمل چه بو

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
عهن	la laine	صوف پشم	Wool
قطن	le coton	کرسف پنبه	Cotton
شمال	gauche	چپ	Left
یمین	droit	راست	Right
ملآن	plein-e	پر	Full
خالی	vide	تهی	Empty
ورد	la fleur	گل گِردنای	Rose
شم	l'odeur	رایحه نکهت بو	Smell

بو گمان نیر ارزو چون دوست میابد فریند ریش گر و تیغ شرد و نیمی خرد لا عدو

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
قوس، عوجاء	l'arc	کمان	Bow
سهم، نبل	la flèche	تیر، ناوک	Arrow
صدیق، خلیل، خدن	l'ami	دوست	Friend
جرز، عمود	le gourdin	گرز، لخت	Mace
حسام، سیف	le sabre	تیغ، بلارک	Sword
عدو	l'ennemi, m	دشمن، بدسگال	Enemy

باکس جعبه تانگز ماشه نایف کارد اسپیت سیخ   هسک بارک است قشر و مغز کو مرو

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
جعبه	Boîte	تیردان	Box
زرم	la pincette	ماشه، انبر	Tongs
سکین	le couteau	کارد	Knife
سفود	la broche	سیخ، گردنا	Spit
قشر	la peau	پوست	Husk, bark

[illegible]

مرو مغز قلم حیوانات [illegible]

لب، مخ	le cerveau	مغز	Marrow

ماوس موش و کت گربه پس روباه فاکس کلب داگ   کاو گاو گوساله کاف و هارن می‌باشد سرو

[illegible]

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
فاره	la souris	موش، مرزن	Mouse
سنور، هر	le chat	گربه	Cat
ثعلب	le renard	روباه	Fox
کلب	le chien	سگ	Dog
بقره	la vache	گاوماده	Cow
عجل	le veau	گوساله	Calf
قرن	la core	سرو، شاخ	Horn

اپل سیب و پیر کمثری کوکمبر خیار   اپریکات مشمش کوئنس آلو و پیچ آمد هلو

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
تفاح	la pomme	سیب، خایب	Apple
کمثری	la poire	امرود، مل	Pear

داشتن تو هو خریدن ابی خواتی تو بای   خواستن تو ونت خائیدن ای نام تو چو

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
مَلَکَ	avoir	داشتن	To-have
بَیَعَ	acheter	خریدن	to Buy
طَلَبَ	vouloir	خواستن	To-Want
مَضَغَ	mâcher	خائیدن	To-chew

بیت آخر تأمل کن که تا دانی همی   معنی مصدر نجشد تا نباشد لفظ تو

ولهُ ایضاً فی بحر الخفیف

خیر و می ده که عمر درگذر است   درگذر را چه مایه و اثر است

فاعلاتن مفاعلن فعلات   از خفیف این قصیده ام زبر است

کاو خدا و پرافت است نبی   پردیس ان بهشت مستقر است

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
اَللّٰه . اِلٰه	Dieu	خدا ایزد یزدان	God
نَبی رَسُول	le prophète	پیغمبر	Prophet

To Come

رفت

بمعنی منفعت بهست

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
قِثّاء	le concombre	خیار	Cucumber
مِشمِش	l'abricot	زردآلو	Apricot
سَفَرجَل	le coing	آبی به	Quince
خَوخ	la pêche	هلو شفتالو	Peach

Kōu-kumbur

چند و بر و اسپیت جز او ب   اگر هو چون چون کی هو رگرد دید کو

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
کَم	peu	چَند	How-much
عَلیٰ	sur	بَر	over
غَیر سِوی	ne-pas que	جُز	Except
رُبَّ	tant	بَسا	often
اِن	si	اگر	If
کَیفَ	comment	چون	How
اَنّیٰ	quand	کَی	When
اَینَ	où	کو کجا	Where

داشتن

جنة فردوس L'élysée بهشت مینو گشتا Paradise

انجل آمد فرشته چرچ کنشت رلیجان دین بدان و اِل سقر است

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

ملک l'ange فرشته امشاسپند Angel

کنیسه بیعه l'eglise کنشت Church

دین ملت la religion کیش Religion

سقر جهنم هاویه Enfer دوزخ مرزغان Hell

انت عمه است انکل است عمو مردمن همچنانکه سان پسر است

[illegible]

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

عمه la tente خواهرپدر Aunt

عم l'oncle برادرپدر آودر Uncle

مرء رجل l'homme مرد Man

ابن le fils پسر کند پور Son

گن چه توپ است و مسکت است تفنگ نیزه اسپیر شیلد چه سپر است

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

le canon توپ Gun

le fusil تفنگ Musket

رمح قناة خرص la lance نیزه بیغال Spear

مجن جنه ترس le bouclier سپر Shield

صبح مارنینگ و شام ایونینگ تودی امروز دان و آن سحر است

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

صبح فجر l'aube بام Morning le matin

مسی عشا le soir شام Evening Do not [illegible]

الیوم aujourd'hui امروز To-day

سحر le grand matin بام و پسین پیش صبح پگاه Dawn

آیرن آهن بدان و کاپر مس سیم سیلور شمار و گولد زر است

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

حدید le fer آهن Iron

نحاس la cuivre مس Copper

هرزت قلب و اسپلین چه سپرز   لنگز شش باشد و لیور جگر است

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Heart	دِل مَن	la cœur	قلب
Spleen	سپرز	la rate	طحال
Lungs	شش	le poumon	رئه
Liver	جگر	le foie	کبد

شاپ باشد دکان و کی است کلید   قفل را لاک خوان و دُور در است

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Shop	دکّه دکان	la boutique	دکّان حانوت
Key	کلید بَزَنگ	la clef	مفتاح اقلید
Lock	کلیدان بَند کوپه	la serrure	قفل
Door	در	la porte	باب

Kee

وین چه ورید است و ارتری شریان   لنسِت البته نام نیشتر است

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی

Silver	سیم	l'argent	نقره فضه لجین
Gold	زر	l'or	ذهب عسجد

لیم لنگ و بلیند باشد کور   دَم و دِف همچنانچه لال و کر است

[illegible]

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Lame	لنگ	boiteux	اعرج
Blind	کور	aveugle	اعمی
Dumb	لال ناگره	muet	اخرس ابکم الکن
Deaf	کر	sourd	اطروش اصم

ترش باشد ساور و سویت چه حلو   سالت باشد نمک و شگر شکر است

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Sour	ترش	aigre	حامض
Sweet	شیرین	doux-douce	حلو
Salt	نمک	le sel	ملح
Sugar	شکر	sucre en poudre	سکّر

Sour

[illegible]

ارت

حمار l'âne خر Ass

لائیت نینگ برق و ابر کلود تندر و رین و تندر و مطر است

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

برق l'éclaire بجوه آدرخش Lightning

سحاب غیم غمام le nuage ابر میغ Cloud

رعد le tonnerre تندر بجوه Thunder

مطر غیث la pluie باران Rain

سرتن آمد یقین و دوت گمان درَی و وِت چه خشک دان و تر است

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

یقین l'assurance باور واخ Certain

شک ظن حسبان doute گمان پنداشت Doubt

یابس sec-sèche خشک Dry

رطب moicillé تر Wet

باغ گاردن بود و برد چه چمن برد مرغ است چون تری شجر است

[illegible]

ورید la veine رگ گردن vein

شریان l'artère رگ جهنده Artery

مبضع la lancette نشتر نیشتر Lancet

استریم است جوی وارب گیاه کوه موتن تین و رود هم ریور است

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

ērb [illegible] le ruisseau جعفر جدول نهر جوی Stream

نبات la plante گیاه Herb

la montagne جبل طود علم کوه Mountain

le fleuve شط وادی la rivière رود خوابها Rivier

لاین و پانثر و میول و اسش شیر و یوز است و استر است و خر است

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

le lion اسد ضیغم غضنفر قسوره لیث شیر Lion

فهد Panthère یوز Panther

بغل la mule استر Mule

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Garden	باغ	le jardin	بُستان
Meadow	مَرغزار چمن	le prés	مَرعیٰ مَرتَع رَوضَه دمن
Bird	مُرغ	la poule	طَیر
Tree	دِرَخت	l'arbre	شَجَر

bird

اَندَر و دُون با پیش چه زیر   چو اَبو بابایان واَب زیر است

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Under, down, beneath	زیر	sous	تحت
Above, upon, up	زِبَر	sur	فوق

بعد اَفتر شمار و قبل بفور   مؤر اکثر بهیش بیشتر است

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
After	پَس	alors	بَعد
Before	پیش	avant	قَبل
More	بیشتر افزون تر	souvent	اَکثَر

خلف

Behind	پُشت سَر	derrière	خَلف

نابت بود لیس نو بود الآن   مَرَّة ونس چون هنا هیر است

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Not	نیست	n'est pas	لَیسَ
Now	اکنون کنون	déjà	الآن
Once	یکبار	une fois	مَرَّة
Here	اینجا	ici	هُنا

آت باید هوی چرا هو که   اوزی دیگر هر اَدر دیگر است

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Ought	باید	il faut	
Why	چرا	pourquoi	لِمَ
Who	کِه	qui	مَن
Every, Each	هر	chaque	کُلّ
Other	دیگر	autre	آخر

English	Français	Persian / Arabic
Warm	chaud	حارّ جَرم گرم
Health	la santé	صحت تندرستی
Wickedness	malveillance	شَرّ بدی

سنگ استون چون کلا د کلوخ گلین نفع است ولاس چه ضرر است

انگلیسی	فرانسه	پارسی	عربی
Stone	le pierre	سنگ	حجر جندل
Clod	motte	کلوخ	مدر
Gain	le bénéfice	سود	نفع
Loss	perte	زیان	ضرر

رُود راه است وجرنی است سفر فیر خوف است دیجر خطر است

انگلیسی	فرانسه	پارسی	عربی
Chemain Road		راه باغ	سبیل طریق صراط
Journey	voyage	جرمزه	سفر
Fear	la peur	بیم	خوف

دود باشد سموک و شعله فلیم تا که اسپرک نام از شرر است

انگلیسی	فرانسه	پارسی	عربی
Smoke	la fumée	دود	دخان
Flame	la flame	لهب زبانه	مارج شعله
Spark	la braise	شراره اخگر	شرر

وُود هیزم شمار وخار چه ثارن سا بود اره اکس چه تبر است

انگلیسی	فرانسه	پارسی	عربی
Wood	le bois	هیزم هیمه	حطب
Thorn	l'épine	خار	شوک
Saw	la scie	اره یوسه	منشار
Axe	la hache	تبر تور	فاس خصین

کولد سرد است و وارم باشد گرم هلث صحت و کیدنس چه شر است

انگلیسی	فرانسه	پارسی	عربی
Cold	froid	سرد	صرد

حار

[illegible]

خطر	le péril	باک اندیشناک	Danger

بوقای ظریف و دختر گرل   همچو فمیل ماده میل نر است

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
فتی ظریف	jeune	ریدک	Beau
صبیه	la fille	دختر	Girl
انثی	la femelle	ماده	Female
ذکر	le mâle	نر گشن	Male

مدیترانین چیست بحر سفید   کسپین سی عبارت از خزر است

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
بحر ابیض	la méditerranée	دریای سفید	Mediterranean
	caspienne	خزر آبسکون	Caspian-sea

[illegible]

این اسم نامیده اند

این مدان بحر و آن روی است گفت   قلم سخت من شکسته سر است

وله ایضا و فی

تو هفت کوکب سیاره را شناس بنام   شمس است و مهر و ... بهره ... بهرام

زحل

[illegible]

زحل مشتری چه مریخ چه مشتری مون ماه   به مرکوری که بود تیر ختم گشت کلام

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
شمس	le soleil	شارق مهر خورشید شید	Sun
زهره	venus	ناهید زاور	venus
مریخ	le mars	بهرام	Mars
زحل	saturne	کیوان	Saturn
مشتری	jupiter	برجیس برو زاوش	Jupiter
قمر	la lune	ماه	Moon
عطارد	mercure	تیر	Mercury

و بحر المجتث

این قصیده ۷۰ ابیات است

رخ تو بچه رخ خورشید خاوری رونق   گر است جز تو دل از خاره بر [illegible] برق

مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلات   ز بحر مجتث این قطعه زیب یافت ورق

بلک سیاه و گرین خضر و وایت سفید   یلو چه زرد و رد احمر بود بلو ازرق

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
اَسْوَد	le noir-e	سیاه	Black
اَخْضَر	le vert-e	سَبْز	Green
اَبْیَض	le blanc-he	سِفید	White
اَصْفَر	jaune	زَرْد	Yellow
اَحْمَر	rouge	سُرخ	Red
اَزرق	le bleu-e	کَبُود	Blue

قرنت را و گوئید کرین با ستارک   تذرو دان و وشم و کلنگ با لقلق

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
تَدْرُج	Faisan	تَذَرو تورنگ	Pheasant
سَلْوی سُمانی	la caille	وُشم سَمانَه وَتَک	Quail
کُرکی	la grue	کُلَنگ	Crane
لَقلَق	le heron	لَکْلَک	Stork

در شمر چه باره و باف تت نرم و هرد خشش بادی بران اشمر و برسیسی رپّین جع عرق

در شعر کهنه بیرون و دیر کس باشد

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
جدید	nouvelle	تازه	Fresh
لَیِّن	mou-molle	نَرم	Soft
خَشِن خَشِب	épais	دُرشت سِفت	Hard
بَدَن جَسَد جِسم	le corps	تَن کالبُد پیکر	Body
عَرَق	la sueur	خوی	Perspiration

رقّی ولوسر وقلی قتل را و مسکینو   قذذ شماری و قمل و ذباب و گوزد و بق

[illegible]

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
ذُباب	la mouche	مَگس	٣ Fly
قَمْل حَمَک	le pou	شپش	٢ Louse
بُرغوث قُذَذ	pouce	کیک	١ Flea
خُنْفُساء خُنْطُباء فاسیه	scarabée	گوزد	Beetle
بَق بَعوضه	la moustique	پَشّه بازده	Musquito

رستنی مزنه و درواز گیت و برج گِل   تو ارک را استدل خوان و دیج را خندق

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی

Yard		la cour	حیاط
Tank	آبگیر شُشتر	le bassin	حوض
Wall	دیوار	la mur	جدار حایط
Ladder	نردبان هَدَنیه ارچین	l'échelle	سُلَّم مِعراج
Palace	جَوسَه کوشک	le château	جَوسَق قصر

pâl-lâs [illegible]

رفو و سوزن آن زنگ با شد و بندیل کلاه و کفش کپ و شوز و کوت دان یلیق

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Darning	پینه	l raccommodage	رَفو
Needle	سوزن	l'éguiuille	اِبرَه
Cap	کلاه	le chapeau	قلنسوه
Shoes	موزه پافزار چمشاک	la chaussure	کفش
Coat	یلمه	la tunique	یلمق قبا

حیاط [illegible] عیان [illegible] معلق

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی

City	شهر	la ville	مدینه بلد کوره
Gate	دروازه	la porte	دَرب
Castle	ورده بخش	la tour	بُرج
Citadel	ارگ	la ferme	معقل حصن
Ditch	کنده ترک	la fauce	خندق

طناب رسن بود خیمه [illegible] چنانکه [illegible] عسکر بود [illegible] بیرق

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Rope	ریسمان ورس	le cordon	طناب رسن
Tent	خرگاه چادر	la tente	خیمه
Army	لشکر سپاه	l'armée	جیش عسکر جند
Camp	لشکرگاه	armé	معسکر
Flag	درفش اختر	le chapeau	بیرق علم لواء

حیاط [illegible] حوض [illegible]

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی

حیاط

سِرّ سَرِیرَه invisible cachette نهان پنهان Secret

سَهْل یَسِیر . facil آسان Easy

عَیان عَلانِیَه عَلَن visible آشکارا هُوَیدا پَدیدار open

مُعْلَق difficile سَخْت دشوار Difficult

مَنی بود و قحبه را شناس هور چنانکه پیچ قرمساق گشت و آن شبق

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

مَنی Sperme آب مرد آبِ پشت که بچه از و بود Semen

قَحْبَه la prostituée روسپی غر سَلَف Whore

قُنْدُع دَیُّوث maquereau قرمساق کشخان غلتبان Pimp

شَبَق شَغَف désir گشود Lust

کبیر و لانج بزرگ آخوردان (الأمم) اِهمال کلیو زاست چو زیرک بالا کِ بِدِ است احمق

[illegible]

اِهمال بمعنی اندک گیرت

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

کَبیر عظیم grand بزرگ Great و Large

صَغیر petit خورد کوچک Small

المعی

اَلمَعی لَوذَعی génie زیرک هشیوار ایش Clever

اَحمَق sot کالیو بُل گول کانا Blockhead

شمار سلفر گوگرد و ارسنیک زرنیخ لیدست سرب و کویک سیلور جیوان زیبق

[illegible]

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

کِبریت l'allumette گوگرد گندش Sulphur

زَرنیق arsenic زرنیخ Arsenic

آنُک اُسْرُف le plomb سرب اُسرب Lead

زیبق رَجْراج le mercure سیماب جیوه آبگ Quicksilver

شرنگ شد کالاسینث و الو ارگنت صبر سنا سنا است هلیبور را شمر خرق

[illegible]

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

حَنظَل عَلقَم la cologuinte کبست شرنگ گوست Colocynth

صَبِر le aloès (m.) الوا Aloes

سَنا Séné Senna

خَرْبَق ellébore (m.) Hellebore

ردیش ترب وِچ خلر وِنتیل لنتل است عدس   برای قافیه خوان بیتروت است سلق

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
فُجل	radi	تُرُب	Raddish
خُلَّر	la vesce	مُلک گاوک	Vetch
عَدَس بُلس	lantille	دانژه وانج	Lentil
سَلق	bettrave	چغندر	Beet-Root

میلت چه ارزن وکاه استراو است رایس رنج   پنیر چیز و برد نان دو چیز خوب الحق

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
ذُرَّة	le mil	ارزن	Millet
تِبن	la paille	کاه	Straw
اُرز	le riz	رنج برنج	Rice
جُبن	le fromage	پنیر	Cheese
خُبز	le pain	نان	Bread

جواب انوری است این قصیده که گوید   مقدری بآلات بقدرت مطلق

الی قصیده ٩٢

فی بحر المتقارب

بده ساقیا آن می آتشین   که آتش زند خرمن عقل و دین
فعولن فعولن فعولن فعول   ببحر تقارب تقرب گزین
هی او آی من وی یو شما وی است ما   دی ایشان فی‌ذت آن دیس این

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
هُوَ	lui - il	او	He
انا	moi - ma	مَن	I
انتم انتن	vous	شما	You
نحن	nous	ما	We
هُم هُنَّ	leur - ils	ایشان	They
ذاک ذالک	ce.... là	آن	That
انتَ انتِ	toi - tu	تو	Thou
هذا هذه	ce.....ci	این	This

واندشت و یا آذر فرام است از   الی تو وتن ها وید و بنج چنین

I went from Tehran
To Tabreez

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
وَ	et	وَ	And
اِمّا	ou	یا	Or
مِن	de	اَز	From
اِلی حَتّی	jusqu'à	تا	To Till
مَعَ	avec	با	With
کَذا	ainsi - aussi	چنین	Such

In Dis ne Un
ژُو مِن واین دِر سوز هست یث / بیاری بنی آن نُوو دیس واین،

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
بَینَ	entre	میانه	Through
فی	dans	دَر اَندَر	In
بعد	encore	هنوز	Yet

۷ اَریج است نارنج و لیمو لِمِن / گریپ است انگور و فیگ هست تین

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی

۷ منظور از مصرع ثانی آن است که در انگلیسی حرف نافیه نا یا چهار کلمه است چنانچه گویند
Unwell
آن وِل یعنی خوب
Nothing
نوثنگ یعنی چیزی
Disjoint
دیس جاینت یعنی متصل
Inaccurat
این اَکوریت یعنی صحیح و قس علی هذا امثالهم

انگور بزرگ را گریپ [illegible]
گریپ [illegible]
برنارنج

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
نارنج	l'orange	نارنگ	Orange
	le citron	لیمو	Lemon
عِنَب	le raisin	انگور	Grapes
تین	la figue	انجیر	Fig

ژُرون تخت شاهی کِرون هست تاج / بود رینگ حلقه خصوصاً نگین

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
سَریر اَریکه	le trône	تخت شاهی گاه اورنگ	Throne
تاج اِکلیل	couronne	دیهیم افسر گرزن	Crown
خاتَم	bague	نگین	Ring

چو از مرد شاه است کوئین کینگ / چو از زن بود شاه خوانی کوئین

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
مَلِک سُلطان	le roi	خسرو خدیو شاه	King
مَلِکَه	la reine		Queen

گریس هست یونان و اجیپت مصر / بود اندیا هند و چینا است چین

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
نجم کوکب	l'étoile	ستاره اُوا	Star
عمر	la vie	زندگانی	Life
قبر جدث	tombeau	گور	Grave
حین وقت اوان	tempo	گاه هنگام	Time

سنه پُر باشد چو مثش است شهر   شهور است مثنش چو جمعش سنین

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
سنه حول عام	l'année	سال	Year
شهر	le mois	ماه	Month
شهور	les mois	ماهها	Months
سنین احوال اعوام	les années	سالها سالیان	Years

پرهیز وعده تری بی است عهد   چو پیمان است اکنون اوفوا خوانی این

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
وعده	promet		Promise
عهد	Traité	پیمان زنهار	Treaty

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
یونان	la grèce	یونان	Greece
مصر	l'égypte	مصر	Egypt
هند	l'inde	هندوستان	India
صین	chine	چین	China

دسی فرده مغوی منیستر وزیر   چو مرچنت تاجر ترستی امین

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
مغوی	trompeur	فریبنده رمّن	Deceiver
وزیر	le ministre	دستور	Minister
تاجر	le marchand	بازرگان	Merchant
امین	solide	استوار اوستان	Trusty

سما هون و نجم استر ولیف عمر   گریو است چون گور و تیم است حین

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
سما خضراء	le ciel	آسمان چرخ گردان	Heaven

انگلیسی		پارسی	فرانسه	عربی
Tea		چای	le thé	
Tea-pot		چایدان	la theière	
Bee	زَنبو	مُنج	l'abeille	نَحل
Honey	شهد	انگبین	le miel	عَسَل مجاج

کمر را انجوان ویست چون دنده ریب   چو ناخن بود نیل فارهِد جبین

[illegible]

انگلیسی		پارسی	فرانسه	عربی
Waist		کمر	milieu	وَسَط
Rib		دنده	cote	ضِلع
Nail		ناخن	angle	ظُفر
Forehead	پیشانی	جبین	le front	جَبهه

Hōr-hid

یهود و یهودیه جو و جوس   کثیف است دَرتی چو طیب کلین

انگلیسی			پارسی	فرانسه	عربی
Jew.	تیداک	نغوک	جهود	juif	یَهود

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Art	پیشه	l'art	صَنعت
Oath	سوگند	serment	یَمین

بود ساکس جوراب چون چکمه بوتس   بود بتن تکمه سلیو آستین

[illegible]

انگلیسی		پارسی	فرانسه	عربی
Socks		جورب گورب	la chaussette	جُوراب
Boot	موزه	چکمه	botte	خُف
Button		تکمه	le bouton	زِرّ
Sleeve		رُدن آستین	la manche	کُمّ

[illegible]

بود لین و تن لاغر و عیب فالت   پلمپ است با فت بمعنی سَمین

[illegible]

انگلیسی		پارسی	فرانسه	عربی
Lean Thin		لاغر نزار	maigre	مهزول غث نحیف
Fault	اک	آهو	defaut	عَیب
Plump, Fat		فربه لُنبه	gras-sse	سَمین

شمر جائی تی چایدان را تی پات   بود نحل بی چون هنی انگبین

يهوديه	la juive		Jewess
كثيف	sal	پليد چركن شوخگن	Dirty
طيب	propre	پاك پاكيزه	Clean

بود مین معدن چو ریگ است سند   گروند است با بیت چاه و زمین

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
معدن	mine	كان	Mine
رمل	l sable	ريگ	Sand
بئر قليب جب	puis	چاه	Pit
ارض غبرا	la terre	زمين تگا	Ground

بی بچه باشد چو توام بونش   زرد و چون مخاض است و فیتش جنین

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
طفل	l'enfant	بچه	Baby
توأم	jumeau	هم شكم جنابه	Twins
مخاض	douleur de l'enfantement	درد زه	Throe

جنين

جنين	Embryon	بچه در شكم آفگانه	Foetus

در رنگ است و ثنی پنج وهی این چهار   بنوش و بگو و بجوی و ببین

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
اشرب	bois	بنوش	Drink
قل	dis	بگو	Say
تفتش	cherche	بجو	Search
انظر	vois	ببين	See

بر رنگ است و آش است و نفت و گذر   بیار و بشوی و بپز و بچین

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
هات	porte	بيار	Bring
اغسل	lave	بشوی	Wash
تحلل	cuis	بپز	Sift
اجتن	cueille	بچين	Gather

گزینده است با لیک و وی با سلکت   ب با و بیس و بسنج و گزین

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
اِسْحَقْ	moudre (v)	بسا	Grind
اِلْعَقْ اِلْحَسْ	lache	بلیس	Lick
وَزِنْ	mesure	بسنج	Weigh
اِنْتَخِبْ	chois	گزین	Select

وله ایضا فی الاعداد

وَن یک وتو دو وثری سه وچار   فور وفیو است پنج وقت شمار

[illegible] بعضی در تلفظ وآن نیز گویند

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
اَحَدْ وَاحِد	۱ un	یک	One 1
اِثْنَانْ	۲ deux	دو	Two 2
ثَلٰثَة	۳ trois	سه	Three 3
اَرْبَعَة	۴ quatre	چهار	Four 4
خَمْسَة	۵ cinq	پنج	Five 5

سِکْس شش سِوِنْ هفت ایت هشت   نَیْن نُه تِنْ ده تو نام گذار

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
سِتَّة	۶ six	شش	Six 6
سَبْعَة	۷ sept	هفت	Seven 7
ثَمَانِيَة	۸ huit	هشت	Eight 8
تِسْعَة	۹ neuf	نه	Nine 9
عَشَرَة عَقْد	۱۰ dix	ده	Ten 10

اِلِوِنْ یازده تُوالْو یا دویب است   سیزده در شماره ثِرْتین آر

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی	
اَحَدَ عَشَرَ	اِحْدی عَشْرَة ۱۱	یازده	Eleven 11	onze
اِثْنا عَشَر	اِثْنَتا عَشْرَة ۱۲	دوازده	Twelve 12	douze
ثَلٰثَةَ عَشَرَ	ثَلٰثَ عَشْرَة ۱۳	سیزده	Thirteen 13	treize

فورتین چارده هست وفیفتین   پانزده در حساب گرد مدار

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی	
اَرْبَعَةَ عَشَرَ	اَرْبَعَ عَشْرَة ۱۴	چهارده	چارده Fourteen 14	quatorze

Three – hundred
Four – hundred
Five – hundred
Six – hundred
Seven – hundred
Eight – hundred
Nine – hundred

خمسون ٥٠ cinquante پنجاه ۵٠ Fifty

هفتده و صد دویست را به حساب نام تو هندرِد گرفته قرار

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Hundred ١٠٠	صد	cent ١٠٠	مائه
Two hundred ٢٠٠	دویست	deux-٢٠٠ cents	مأتان

تا هزار از دو و سه افزائی در آیات ای که در عمل هشیار

الف تُوزَند دان و تو تُوزَند در حساب محاسبین دو هزار

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Thousand ١٠٠٠	هزار	mille ١٠٠٠	الف
Two Thousand ٢٠٠٠	دو هزار	deux-٢٠٠٠ mille	الفان

تا بآخر چنین بود دریاب و قفا ربنا عذاب النار

One Thousand (1000) — Two Thousand (2000) — Three Thousand (3000) — Four Thousand (4000) — Five Thousand (5000) — Six Thousand (6000) — Seven Thousand (7000)

خمسة عشر خمس عشرة ١٥ پانزده quinze 15 Fifteen

سِکْس تین ثیت سِوِن تین ایتی تین نَین تین نوزده است آخر بار

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Sixteen 16	شانزده ١٦	seize	ستة عشر ست عشرة
Seventeen 17	هفده ١٧	dix sept	سبعة عشر سبع عشرة
Eighteen 18	هجده هژده ١٨	dix huit	ثمانية عشر ثمانی عشرة
Nineteen 19	نوزده ١٩	dix neuf	تسعة عشر تسع عشرة

بیست باشد تُوِنتی و ثِرتی سی بود فارتی چهل بشمار

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Twenty 20	بیست	vingt ٢٠	عشرون
Thirty 30	سی	trente ٣٠	ثلثون
Forty 40	چهل	quarante ٤٠	اربعون

Sixty Seventy Eighty Ninety

هست پنجاه فِفْتی و تا صد لفظ تی هچو تین در آخر آر

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی

خمسون

8000 Eight thousand — 9000 Nine Thousand

10 000 Ten Thousand

100 000 Hundred Thousand

ولـه ایضاً فی بحر الرجز

تا چند باشد در غمت از دیده اشکم متصل   آخر نگاهی سوی ما ای رشک خوبان چگل

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن   می‌نام در بحر رجز تیگر چو ببر اشتر جمل

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Tiger	بَبر	~~porte~~ tigre	بَبر
Camel	اشتر شتر هیون	le chameau	اِبل بعیر

کفتار ضبع هلیه خوک ناگ و نمر پلنگ آمد لپرد   کب بچه روباه و خرس اُفغان و واویلا یل

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Hyena	کفتار	la hyène	ضبع ضباع جعار
Hog	خوک	le porc	خنزیر رتّ
Leopard	پلنگ	le léopard	نمر سبنتی

Cub	بچه روباه	renardeau	هجرس تتفل
Cub	بچه خرس	l'ourson	دیسم
Yell	فغان فریاد	ah! vah! etc	واویلا

ماهی قزل آلا ترَوت آزادماهی دان سَمَن   پس شاه‌ماهی دان هرینگ چون گوش ماهی شل (shell)

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Trout	قزل آلا	truite	
Salmon	آزاد ماهی	saumon	
Herring	شاه ماهی	hareng	
Shell	گوش ماهی	écaille	

سرطان کرب و هم لابستر میگو شریمپ دان پرآن   خشکی است لند و موج ویو کشتی [illegible]

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Crab Lobster	خرچنگ کلنجار	le crabe	سرطان
Shrimp Prawn	میگو	la crevette	
Land	خشکی	continent	بَرّ

مَوْج تیار آذیه	vague	نژه خیزاب کوهه	Wave
فلک	le navire	کشتی	vessel
ظَرْف	vase	باردان وند	Heat

گرماست هیث وگرم هات یخ آیس یخبندان فراست بر ضد این دو تمپریت آمد هوای معتدل

[illegible]

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
حَرّ	chaleur	گرما	[illegible]
حارّ	chaud	گرم تفت	Hot
جَمَد	la glace	یخ مهر	Ice
صَبارة القُرّ	la gelée	یخبندان	Frost
مُعتدِل	~~moyen~~ tempéré		Temperate

گز یرد و اینچ اندر گره خوان کیوبیت ذراع اسپن وجب دان از یکی یکدرع ویکجا رکطال

[illegible]

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
ذِرْع	metre	گز جشان	Yard
اِصْبَع	nœud	گره	Inch

ذراع

ذِراع	la coudée	ارش	Cubit
شِبْر	empan	وجب بدست اودش	Span

بیخ است روت و برگ لیف شادی جای و غم گریف (Ell) چون جاینت آمد متصل و این جاینت میدان منفصل

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
اَصْل	origine	بیخ	Root
وَرَق	la feuille	برگ	Leaf
سُرور مَسَرّة	plaisir	شادی	Joy
غَمّ کَرْب	chagrin	اندوه گرم	Grief
مُتَّصِل	toujours	پیوسته	Joint
مُنْفَصِل	dechiré	گسسته	Disjoint

غربال سیو آجر بریک پل وکلنگ پیکاکس حجا بنور آمد مثنوی چو مدت کرد دید گل

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
غِرْبال	tamis	ماشو پرویزن	Seive
آجُر	brique	اجور طوب آگور	Brick

مِسْحاه la bêche پیل Spade

مِعْوَل pioche کلنگ Axe

نجّار و بنّا maçon گلگر Mason

طین la boue گل زَنُو Mud

سنگ آسیا دارین میل شتون پس آسیابان دان ملگر بر لی چه جو گندم هویت چون آسیا خوانی میل

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

رَحیٰ لافِظَه meule سنگ آسیا Mill-stone

طحّان meunier آسیابان Miller

شَعیر سُلْت l'orge جَو Barley

حِنْطَه بُرّ قمح le blé گندم Wheat

طاحونه ناعور moulin آسیا Mill

اِسلیو عبد و حُرّ فری بیت است حق و شرع لا رشوه بریب قاضی است جج غی دان

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

عَبْد رَقیق camarade رهی بنده گروگان Slave

حُرّ libre آزاد Free

حَقّ droit-raison درست بَره Right

شَرْع religion کیش آیین Law

رشوه le présent فرخچ لاج پاره Bribe

قاضی le juge موبد هیربد و چرگر Judge

باغی طاغی خارجی Rebel

ثیف است دزد و راهزن ... سنتنس حکم شرع دان چون سیاین گیه پردن بهل

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

سارِق لِصّ le voleur دُزْد Thief

قاطع الطریق brigand راهزن منگل Robber

سرقت لصوصیت voler دزدی Theft

حکم شرع فتوی commandement وچر Sentence

ذَنْب جُرم pécher گنه گناه بزه Sin

مغفرت عفو pardon گذشت بهل بخشش Pardon

غیرت را [illegible]

غیرت چه زیبا [illegible] حسد همچون حسود آمد سر جلیس
مروت چاکر عشق تو معشوقه را خوانی تو بل

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
غیرت	zèle	زهر رشک	Zeal
حسد	jalousie	رشک	Envy
غیور	jaloux	رشکن	Jealous
خادم	valet	چاکر پیکار	Servant
عشق	passion	مهر	Love
معشوقه	belle dame	جانان اهور	Belle

ناقوس را راهب چه منگ منبر شمر پلپیت را
واعظ پریچر مرگ دث ناقوس مردن را تو نل

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
ناقوس	la cloche	زنگ	Bell
راهب	pape	کشیش	Monk
منبر	membère	افراز	Pulpit
واعظ	prédicateur	اندرزگوی	Preacher

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
موت حتف منون	mort	مرگ	Death
ناقوس مردن اشاره بران است که در وقت مردن سلاطین و بزرگان در کلیسا نوازند	le glas		Knell

جنگ وار و صلح پیس آنکه عداوت انمتی
فیلینگس وجدان و حس چون سنتیمنت افکار دل

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
حرب وغی قتال هیجاء وقعه لقاء	guerre	جنگ کارزار رزم نبرد پیکار	War
صلح	paix	آشتی	Peace
عداوت بغضاء شحناء	ennemitie	دشمنی سگالش	Enmity
وجدان و حس	sentiment	یافتن و دریافت	Feelings
ما یخطر بالبال	sentiment	افکار دل	Sentiment

بی شرم را گو امپودنت بی شرمی آمد امپودنس
ما دست را محجوب دان شیم انفعال و شرم خجل

[illegible]

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
وقیح بذی عارم	impudent	بی شرم	Impudent
وقاحت عرام	impudence	بی شرمی	Impudence
محجوب حیی	modest	شرمگین	Modest

[illegible]

باشد بس نعمت همی اهل نعیم ابد شد   کاندر اهل هاویه چون هاویه گوئی تو اهل

عربی   فرانسه   پارسی   انگلیسی

نعمت   benidiction   Bless

اهل نعیم   benit   بهشتی   Blessed

اهل هاویه   condamné   دوزخی   Condemned

هاویه حطمه   enfert   دوزخ   Hell

گزن است اولاد عمو تو یو شمار اولاد اخ   نیز پس خوانی و الدین معنی خوب و جا ول

عربی   فرانسه   پارسی   انگلیسی

Cuzzn   cousine   اولاد عمو و اولاد عمه و اولاد خال و اولاد خاله را گویند   Cousin

Nevvu   niece   اولاد برادر و اولاد خواهر را گویند   Nephew

والدین   parent   پدر و مادر   Parents

ول یعنی چه است که در فارسی چاه گویند   Well

تا رحور شکنجه دان فرنجر آنکه پنیشمنت است عقاب   کول است فحم آنکه بلیز آمد شواظ مشتعل

عربی   فرانسه   پارسی   انگلیسی

انفعال   honte   آزرمگین   Shame

تخجل   honteux   شرمنده شرمسار   Shy

جنبانی جن فیری پری چون اسپریت روح دان   گبریل جبرئیل دان ابلیس و شیطان خوان دول

عربی   فرانسه   پارسی   انگلیسی

جن   lutin   پری   Geni / Fairy

روح مهجة   âme   جان روان   Spirit

جبرائیل جبرئیل   Gabriel   Gabriel

ابلیس شیطان   diable   اهرمن دیو   Devil

فیث اعتقاد است سپتیسیزم انکار ایمان و دین دان   مؤمن بلیور شمر کافر چه باشد اینفدل

عربی   فرانسه   پارسی   انگلیسی

اعتقاد عقیده   foi   گروشت   Faith

انکار ایمان و دین   sceptisisme   Scepticism

مؤمن   croyant   فربود ایزدگشب   Believer

کافر   païenne   دروند مشبل   Infidel

زَجر torture شِکَنجه بانگ پاهنگ Torture

عِقاب punition آزار Punishment

فَحم charbon اَنگِشت زُغال زُگال Coal

شُواظ مُشتَعِل flamme زبانه بی دود Blaze

چون گوت نقرس شد بدان گوتی نقرسی مبتلا   مسلول خوان کو را سل مبتلی گو نباشد پس بیند چاره

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

نِقرِس goutte Gout

نِقرِسی gouteux Gouty

مَسلُول phtisique Consumptive

سِل سُلال phtisie کاهِش Consumption

پَرهیلیون چه عکس خور هاله هلو اکلیپس را   میدان کسوف مهر و مه شید و شد و مهتاب

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

Parhelion عکس خور و مراد از این است که در بعضی اقالیم جانب شمال بسبب کثرت رطوبت و انجماد شید نمودار

بسیار میشود که عکس آفتاب در هوای تیره و سیاه میشود که سه چهار عکس آفتاب در آن هوا دیده میشود و گاهی چنان روشن میشود که تشخیص آفتاب حقیقی مشکل میشود و او را پرهیلیون گویند

هالَه داره Halo بَرهون شادَوَرد خَرگ Halo

خُسُوف و کُسُوف Eclipse گِرِفت Eclipse

ظِلّ فَیء شَبَح ombre سایَه نَش Shade – Shadow

ما بکر شید یعنی سایه اعم است که از هر چیز حادث گردد

و شد یعنی ظل اخص است که از شخص یا شاخص حادث گردد

نیک آمد کاپیوشن نهایت باشد نیمشب   کاک ذیذب است و گنت حر چو جمع آید تستیکل

الفرد مقصود

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

نَیک جِماع رَفَث copulation نیوشِش آمیزه جالِش Copulation

نِصفُ اللَّیل minuit نیمشَب Mid – night

ذَیذَب قَضیب اَیر عَرد verge کیر یَمور خَرزَه اَلفیه Cock

حِر بُضع فَلهَم فَرج vulve کُس شَلفیه Cunt

خُصیَه testicule خایَه گُند Testicle

کار گذشته پیت دان باشد فیوچر آتیه   ممکن چو آمد پاسبل باشد محال امپاسبل

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

کار درنگی در ماه
و عمر فردای ... م

فعل ماضی	passé	کارگذشته	Past
آتیه	prochaine	آینده	Future
ممکن	possible	شونده	Possible
محال	impossible	نشونده	Impossible

افسوس اَلَس اَیضا دِتو هرگز نِوِر بسیار مُچ یُمکن پِرابِل شمر پرهپس میدان یحتمل

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
اَسف لَهف	helas	افسوس دریغ	Alas
اَیضاً	aussi	نیز هم دیگر	Ditto
قطّ	jamais	هرگز هرگز	Never
کثیر	beaucoup	بسیار افزون	Much
یمکن	que soit	باشد که	Probable
یحتمل لعل	peut-être	شاید بُوَک	Perhaps

آن لِس مگر اینک آو از بی هولد اینک اُچوای آری است یِس مثل است لیک هموار و یکسان لِوِل

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی

للاان

اِلّا اَن	a moins que	مگر اینک	Unless
مِن	de - du	از	Of
ذا هذا	ce cet cette ces	اینک ایدر	Behold
یا ایا هیا	ô	ای یا	O
نعم اجل بلی	oui	آری	Yes
مثل شبه	pareil	انباز همال مانند	Like
مساوی	également	هموار یکسان	Level

فعل است وِرب و اسم نون هم چون پلورل آمد جمع مفرد شماری سینگولر چون حرف فانی آرتیکل

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
فعل	le verbe		verb
اسم	le nom		Noun
جمع	pluriel		plural
مفرد	singulier		Singular
حرف	mot		Particle

باشد مؤنث فمنین ~~مونث~~ بگو همچون مذکر مسکولین — باشد نوتر مستوی چون حرف علة شد واول

انگلیسی	پارسی (فرانسه)	عربی
Feminine	feminin	مؤنث
Masculine	masculin	مذکر
Neuter	neutre	مستوی
Vowel	voyelle	حرف علة

بدانکه مذکر در انگلیس او را گویند که در مقابل او مؤنث باشد خواه حیوان
ناطق باشد یا غیر ناطق و او را مسکولین نامند و همچنین مؤنث او را
گویند که در مقابل او مذکر باشد خواه حیوان ناطق باشد یا غیر ناطق و او را
فمنین گویند و مستوی بخلاف این است و آن الفاظی است که بر جمادات
و نباتات و عناصر و افلاک و غیر ذلک وضع شده و او را نوتر نامند

خوانی تهجی اسپلینگ (همچون) تیوات نفی — چون تثنیه باشد دو مثل همچون دو تا آمد بل

انگلیسی	پارسی (فرانسه)	عربی
Spelling	Epellation	تهجی

نفی

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Negative		negatif	نفی
Dual / Double	دو / دوتا	Deux	تثنیه

گویم اداة معرفه گوذی و اء و آن بود — کاین هر سه را خوانی همی در انگلیسی ارتکل

انگلیسی	پارسی	عربی

The — بدانکه اداة معرفه عبارت از سه حرف است که دایم بهم متصل میشود

A — که بیان میکند تعریف و مقدار و کمیت آن لفظ را یعنی (the) ذی است

An — که افاده عهد و تعیین میکند چنانکه گویی ذی بوک یعنی همین کتاب — Give me the book

Article — که کتاب معین معهود مراد است و اما (A) اء برای وحدت

که افاده معنی وحدت در کلام میکند مثلا اشیپ یعنی یک گوسفند و اجمع — A sheep

گوسفند با و اسم کا [illegible] داخل شود بر اسمی که اول او از حرف

علت باشد یا (h) اچ غیر ملفوظه باشد در این صورت حرف ان را با هم [illegible] — An Eagle

برای خفت در کلام تلفظ می خوانند ان ایگل یک عقاب از جمله حیوانات [illegible] — An hour

از جمله یک ساعت ساعات هرگاه (h) اچ ملفوظه باشد در آن صورت — A hand

باز با اء استعمال شود و گفته خواهند گفت ای هند یک دست و هکذا

بشکن برک آویز هنگ می آی کم میریز پر می گیر تیک می بند شت بنویس رایت میگوی تل

انگلیسی		پارسی	فرانسه	عربی
Break		بشکن	casse	کَسِّر
Hang		آویز	suspend	اَسدِل
Come	بیا	می آی	viens	تَعالِ
Pour	بریز	میریز	verse	صُبّ
Take	بگیر	میگیر	prend	خُذ ها
Sheel	ببند	می بند	attache	اُشدُد
Write		بنویس	écris	اُکتُب
Tell	واج بگو	می گوی	dis	قُل

Kum

آموز تیچ می ساز میک بگذار لت می کش درا بفروز لایت گریز ران بشنو هیر بفروش سل

انگلیسی		پارسی	فرانسه	عربی
Teach		آموز	instruis	تَعَلَّم
Make	بساز	میساز	fabrique	اِصنَع

Let	بهل	بگذار	laisse	دَع
Draw	بکش	می کش	tire	اُجرُر
Light		بفروز	enflamme	اِشتَعِل
Run		بگریز	fuis	فِرّ
Hear		بشنو	écouté	اِسمَع
Sell		بفروش	vend	بِع

این دو بیت کلا صیغه فعل امر است

که در انگلیسی پرزنت و هیسترو گویند

افگند کست آموخت تات زد استرک آزرد هرت بشنید هرد دبرید گت گستر لید فتاد فل

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Cast	افگند	jeté	طَرَحَ
Taught	آموخت	enseigné	تَعَلَّمَ
Struck	زد	frappé	ضَرَبَ
Hurt	آزرد	blessé	زَجَرَ

سَمِعَ	entend	شنید	Heard
قَطَعَ	coupez	بُرید	Cut
بَسَطَ دَحَی	répand	گسترد	Laid
سَقَطَ	tombe	افتاد	Fell

این صیغه‌ها که صیغهٔ فعل ماضی است و در انگلیسی ایرِگولَرِت گویند

قطعة في البروج

بروج را زلاتین انگلیس کرده است اخذ   کنون باسم کتیبی حمل بود اریس
تاروس ثور و دو پیکر شمارش جمنای   بگوی کنسر خرچنگ از پی تریس
اسد لیو بود و نام سنبله ورگو   تولای برا آ میزان شناس فی پیس
شمار عقرب اسکارپیو و باور گو   و راست در نظر پنجگانه مرتیدلیس

بدانکه نظر پنجگانه در اصطلاح اهل نجوم مقابله و تثلیث و تربیع و تسدیس و مقارنه است و تسدیس آنست که در میان دو کوکب یا دو برج سدس فلک که شصت درجه است فاصله شود و دیگر مباحث نجوم در بس نظر ... تسدیس است

کمان و جدی بجز سجیتیریوس کپریکارن   چو دلو را اکوریس شمار و حوت پیسیس .

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
حَمَل	Bélier	بَرَه	Aries
ثَوْر	Taureau	گاو	Taurus
جَوزا	توأمین Gémeaux	دوپیکر	Gemini
سَرَطان	Cancer	خرچنگ	Cancer
اَسَد	Lion	شیر	Leo
سُنْبُلَه	عذراء Vierge	خوشه	Virgo
میزان	Balance	ترازو	Libra
عَقْرَب	Scorpion	گژدم	Scorpio
قَوس	رامی Sagittaire	کمان	Sagittarius
جَدْی	Capricorne	بُز	Capricon
دَلْو	ساکب الماء Verseau	دول	Aquarius
حُوت	Poissons	ماهی	Pisces

في بحر المضارع

ای آفتاب روی تو خورشید حجاب ... وز موی عنبرین تو سنبل به پیچ و تاب
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات ... بحر مضارع است مر این بحر مستطاب
اگ تخم مرغ باشد خاگینه اوملت ... یخنی براث و قلیه هش و رست وان کباب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
بیضه	œuf	تخم مرغ آشینه	Egg
عجه	omelette	خاگینه	Omelet
مرق ترید		یخنی	Broth
قلیه کباب	rote		Hash Roast

هن ماکیان و جوجه چکن دان خروس کاک ... ترکی چه مرغ بوقلمون و کرو غراب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
دجاجه	la poulet	ماکیان	Hen
فرخ فروج	poulet	جوجه فرغ	Chicken
دیک	le coq	خروس خروه	Cock
بوقلمون	le dindon		Turkey

غراب

غراب	corbeau	کلاغ	Crow

گنجشک اسپرو و شمرو آشیانه نست ... خانه است هوس و جغد پیه اول و روین خراب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
عصفور	moineau	صعوه گنجشک بنجشک	Sparrow
عش	nid	وکر وکن آشیانه آشیان کاورک	Nest
بیت	maison	خانه	House
صدی	hibou	جغد بوم بوف	Owl
خراب	ruine	ویران نشت یبات	Ruin

زین دان سدل زمام بریدل چو دهنه بیت ... چون اسب با هرس هوف سم و آیر رکاب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
سرج	selle	زین	Saddle
زمام	licou	لجام لگام	Bridle
شکیمه	bride	حکمه دهنه	Bit
فرس خیل	cheval	اسب یکران خنگ	Horse

سنبک حافر	sabot	سم سنب	Hoof
رکاب	étrier		Stirrup

اسکول مکتب آمد و چون مدرسه کالج ~~پن [illegible] قلم و حبر بوک کتاب~~
پن خامه اینک حبر بود بوک هم کتاب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
مکتب	l'école	دبستان دبیرستان	School
مدرسه	l'école – collège		College
قلم	la plume	خامه	Pen
حبر مداد	crayon	مداد	Ink
کتاب صحیفه سفر	livre	نامه	Book

سنتنس جمله و رد سخن دسپیوت بحث لکچر افاده لسن چو درس انسور جواب.

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
جمله	proposition		Sentence
کلام حدیث	parole	سخن واژ	Word
بحث	dispute	کاویدن	Dispute

افاده	profiter	یاد دادن	Lecture
درس	leçon		Lesson
جواب	réponce	پاسخ	Answer

داکتر طبیب و عالم میدیسین دوا چون بیمار ایل دزیز مرض و چه رخت خواب

[illegible]

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
طب	médecin	پزشک	Doctor
دوا علاج	remède	درمان دارو	Medicine
سقیم مریض مدنف	malade	بیمار رنجور	Ill
مرض دنف	maladi	رنج	Disease
فراش مهاد	lit	رخت خواب بستر	Bed

آسوده دان ترنکویل آشفته پرپلکسد تعجیل هیئت بیم درد و قهر اضطراب.

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
مرفه	tranquille	آسوده	Tranquill
مشوش	troublé	آشفته دروا	Perplexed

تعجیل	depeche	شتاب تیز	Haste
خوف	peur	بیم پروا	Dread
اضطراب	angoisse	پریشانی تپ	Fear

محروم دلیس اپاپتید مغموم ساوقل   یاس است دسپرتین هپفل چه کامیاب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
محروم مأیوس	desesperant	نومید	Disappointed
مغموم	chagriné	اندوهگین	Sorrowful
یأس حرمان	désespérance	نومیدی	Desperation
مظفر محظوظ	espérance	کامیاب	Hopeful

پیر است اولد وینگ جوانست وطفل چایلد   پیری چه اولدنس بود ویوث دان شباب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
شیخ	vieux	پیر	Old
شاب شارخ فتی	jeune	جوان برنا	Young
طفل صبی	marmot	کودک	Child

هرم	vieillesse	پیری	Oldness
شباب	jeunesse	جوانی	Youth

شبنم دیو و برف چه سنو تگرگ هیل   وقوس قزح چه رینبو آمد ببل حباب

عربی	(فرانسه)	پارسی	انگلیسی
ندی	la rosée	شبنم افشک	Dew
ثلج	la neige	برف هنانک	Snow
برد عضرس	grêle	تگرگ تنجه	Hail
قوس قزح قسطانه	l'arc-en-ciel	آژفنداک سترونیه ستریر تیرآژه	Rainbow
حباب	bulle d'air	فرهیاب کوبله	Bubble

روم است اوطاق وآید فرخت وتنگ   خوانی گوبلت را چو لحاف و لیپت جواب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
حجره	chambre	وثاق اوطاق	Room
وسیع رحیب	immense	فراخ گشاد	Wide
ضیق ضنک	étroit	تنگ	Tight

لحاف — couverture — لیثر آهنگ — Quilt

نوم رقاد — sommeil — خواب بوشاش — Sleep

در بختر است و باتل بمعنی تنگ می — چون اسیر بیت گشت عرق و این بشد بسر

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
بلبله صراحیه	carafe	تنگ می	Decanter Bottle
عرق	l'eau-de-vie		Spirit
شراب خمر مدام راح	vin	می باده بگماز	Wine

رئیف قدرت است شیر چون دروغ فالین — کی کذب محض از غلط آمد ترو صواب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
صدق	vraie	راست	Right, Truth
کذب فریه	mensonge	دروغ	False
کذب محض	mensonge		Lie
غلط	faute		Err
صواب	juste	درست	True

دانا ست عالم و ابله و گول سفیه — رغوبش مضایقه خوان جانش انتخاب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
عالم	savant	دانا	Wise
سفیه	ignorant	نخشا	Fool
ابله	sot	گول	Dunce
مضایقه	refuser	بخشا دریغ داشتن	Refuse
انتخاب	choisir	برگزیدن	Choice

~~ریچ دان غنی و پور گدا و ولث بشد مال~~ — رغبت چه باشد با نیکو خواهش شد اجتناب

ریچ است و پور و ولث غنی و گدا و مال

اینکلو نلیش

Ritsh

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
غنی	riche	توانگر	Rich
سائل فقیر عائل	pauvre	گدا درویش	Poor
مال نشب عرض	richesse	خواسته	Wealth
رغبت	prier	خواهش	Inclination
اجتناب	eviter	بیگسو شدن	Shun

چنگ است هرپ و نای فلوت و گیتا عود   مطرب شمار منشترل چون ربک رباب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
صَنج	harpe	چَنگ	Harp
مِزمار	flute	نای	Flute
عُود	guitare	بَربَط	Guitar
مُطرِب	musicien	رامشگر	Minstrel
رُباب	rebec	چارتار	Rebeck

خرگوش هِرو اَنتِلُپ آهو و گرگ وُلف   بِر است خرس و فیل الفنت است و نیک ناب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
اَرنَب	le lapin	خرگوش	Hare
ظَبی	antilope (f.)	آهو	Antelope
ذِئب	loup	گرگ سَپید شِرغان	Wolf
دُبّ	l'ours	خرس	Bear
فیل	l'éléphant	پیل	Elephant

ناب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
ناب	défense	نیشک	Tusk

چون مُتعه مِستِرِس شد و منکوحه مِسِس   چون بکر ورجین آمد پس ویل خوان نقاب.

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
مُتعَه	madame		Mistress
مَنکُوحَه	madmoiselle		Missess
بِکر	virginie	دوشیزه عذرا	virgin
نِقاب	voile	روی بند	vail

باشد دِزِرت بادیه و تشنه ثِرستی   اِنجُر اذیت آمد رِپروف شد عتاب.

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
بادِیَه بَیداء تیه	désert	کویر یولاغ بیابان	Desert
عَطشان ظَمآن	soif	تشنه	Thirsty
اَذیَت	persecuter	آزار	Infure
عِتاب	reproche	بازخواست	Reproof

~~اِمرلد شد زمرد و روبی است بهرمان   دَی مُند داس و پرل بود لولو خوشاب.~~

اِمرلد شد زمرد و چون دای اَمند ماس   رُوبی و پرل آن بهرمن و لولو خوشاب

[illegible]

و سایر علما کار در کتب لکت ماس

تصحیح کرده اند و الماس [illegible]

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
زمرد	zumarrod	زمرد	Emerald
ح یاقوت	rubis	بهرمان یاکند	Ruby
م ماس	vitre	آبگینه	Diamond
لؤلؤ	perle	مروارید گستر ج گوهر	Pearl

طول است و عرض لانجی تیود و دلی تیود   اکسیس محور است و بود میتیار شهاب

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
طول	longueur	درازا	Longitude
عرض	largeur	پهنا	Latitude
محور	axe		Axis
شهاب	météore		Meteor

چون منطقه است زودیک و همچو قطب پول   خط استوا است چون اکویتر کره گلاب

[illegible]

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
منطقه	ceinture	کمربند	Zodiac

قبر

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
قطب	pole	نشین	Pole
خط استوا	équateur		Equator
کره	sphère	گوی	Globe

این دو بیت آخر قطعه فی الشهور از مصطلحات نجومی است

ماههای انگلیسی شمارم بی خلاف   ماه اولشان بود جنیواری مشتمل
جنیواری فبرواری مارچ اپریل می ۲   ژون و جولای اگست میدان متصل
ازپس سپتمبر اکتوبر شماری در حساب   از نومبر چون دسمبر می نماید منفصل
ماهشان این اول هر سالشان بی خلاف   یازده از جدی باشد ز نو گردد منتقل

۲ ژلان پس فبرواری پس مارچ با اپریل می

فرانسه	انگلیسی	پارسی		عربی
janvier	January	فروردین ماه	مؤتمر	محرم الحرام
février	February	اردیبهشت ماه	ناجر	صفر المظفر
mars	March	خرداد ماه	خوان	ربیع الاول
avril	April	تیر ماه	وبصان	ربیع الآخر
mai	May	مرداد ماه	حنین	جمادی الاولی

June	شهریورماه	رُبّی	جمادی الآخر	juin
July	مهرماه	اصمّ	رجب المرجب	juillet
August	آبان ماه	عاذل	شعبان المعظم	août
September	آذرماه	ناتق	رمضان المبارک	septembre
October	دی ماه	وعل	شوال المکرم	octobre
November	بهمن ماه	ورنه	ذوالقعدة الحرام	novembre
December	اسفندارمذ ماه	برک	ذوالحجة الحرام	décembre

اگرچه ماههای عربی و پارسی و انگلیسی با هم مختلفند فی بحر المجتث اما چه باید که هریک مشخص شود قرار شد

خیال روی تو ای رشک لعبتان طراز — مراست مونس و همدم درین شبان دراز

مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلات — ز بحر مجتث دلکش بر آورم آواز

پریز حمد و ثنا شکر و پس سلام — چو ور شیب پست عبادت پرستش است نماز

عربی — پارسی — فرانسه — انگلیسی

حمد ثنا — سپاس درود — grâce — Praise

شکر — ~~grâce~~ merci — Thank

سلام — ~~[illegible]~~ paix — Peace

عبادت — پرستش — adorer — Worship

صلوة — نماز — prière — Prayer

بیت: شمار نفس کان کلوژن ست انجام — مؤمنت لحظه و همچون کامنسمنت آغاز

عربی — پارسی — فرانسه — انگلیسی

نفس — دم — haleine — Breath

آخر عاقبت — انجام — fin — Conclusion تا آوار

لحظه — آن — ~~constant~~ moment — Moment

اول مبدء — آغاز نخست — ~~premier~~ commencement — Commencement

بیت: یکایک هست چه طاووس پرتریج کبک — ~~پروت توتک و ایگل عقاب و گوش چه قاز~~ — عقاب ایگل پارت طوطی گوش چه قاز

عربی — پارسی — فرانسه — انگلیسی

طاوس — paon — Peacock

کری قبج حجل — کبک — perdrix — زیج Partridge

ببغا — توتک — perroquet — Parrot ح ای [illegible]

عقاب شغواء — اله دالمن مود — aigle — Eagle م ای [illegible]

قاز — oie — Goose

مینیت دقیقه و ساعت چه آور تو شیشه گلس درجه دیگری هف نصف میستری شد راز

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Minute		minute	دقیقه
Hour	تسو	montre	ساعت
Glass	آبگینه شیشه	vitre	قاروره زجاج
Degree		grade	درجه
Half	نیم	moitié	نصف
Mystry	راز	secret	ستر

ودینگ چیست عروسی ایدت عروس مریج مهر شمر چون آید آت جهاز

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Wadding	پیوگانی	noce	عروسی
Bride	پیوگ دوغد	bru	عروس
Marriage	کاوین کابین	Kabin	~~عقد~~ مهر صداق

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Bridal	وردک	dot	جهاز

جی نی اس

کیو اشاره بود پرسو آسری تحریک دسیت خدعه جینیس ذکا آنر اعزاز

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Cue	پرخیده	montrer	اشاره ایماء
Persuasory	برانگیلدن	provoquer	تحریک
Deceit	آورند فریب	ruse	خدعه حیله
Genius	هوش	intelligence	ذکا
Honour	گرامی داشتن	honorer	اعزاز

نیمی زبان زبان

تو کرگ نامی راینس دان و آستریچ ظلیم فراگ ضفدع و بل گاو ور شوا گراز

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Rhinoceros	کرگ	Rhinocéros	کرگدن حریش
Ostrich	شترمرغ	autruche	ظلیم نعامه
Frog	غوک	grenouille	ضفدع
Bull	گاو	bœuf	ثور

عفر — la truie — گراز — Sow

رواارد اجرت و باور یلیف و پاریز زهر
فوره منت چون پلنگش هست نیاز
طالع قیفت

پارسی چو زهر پاریز خیز ... است نیاز

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
اجرت	solde	مزد	Reward
قبول	foi	باور	Belief
طالع تقدیر		سرنوشت	Fate
سم	poison	زهر	Poison
~~منت~~		~~یاوش~~	~~Favour~~
حاجت	besoin	نیاز	Supplication

براد پهن و سبک است چون هوای سنگین
بود حقیقت اندید مستفرقه مجاز

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
عریض	large	پهن پخش	Broad
خفیف	agile	سبک	Light
ثقیل	lourd	سنگین هشت	Heavy
حقیقت	certe	آمیغ	Indeed

مجاز

مجاز — la metaphor — Metaphor

مدیر پرندی و روم با شمپین
شیری و پورت دیگر قسمهائی انگار

Madeira, Beer, Brandy, Rum, Champaign, Sherry, Port liquor,

گرسنه هنگری است و گلای سیری
طعام خوردنی چون اویدتی شد آز

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
جایع	faim	غژان گرسنه	Hungry
کظه	rassasié	شبع سیری	Cloy
طعام	nourriture	خوردنی خوالی	Food
حرص	avidité	آز	Avidity

ببایندن آن سو آنسو نیز ولکن هست
مبادلست از یراکه از الگین شد باز

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
وراء	de là	آن سو	Beyond
ایضاً	aussi	نیز	Also

لکن	mais	ولیک لیک	But
العیاذ	de peur que	مباد	Lest
	comme	ازیراکه	As
تکرار	répété	باز	Again

ذن است اگه وپس منذ فا لاجل   کلاهما چه بود بوث انما چه بکاز

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
حینئذ	ensuite	آنگه پس	Then
منذ	depuis	از آنگاه	Since
لاجل	pour	ازبرای	For
کلاهما	tout les deux	هردو	Both
انما	parceque	بدرستیکه	Because

آی آمد آز وری اللّه ذن
بنی نرسیم تا دیر آنگاه.
ذنیکث ذن
یعنی بوش پس

بیوتی فل جمیل است مرا بنید شمنت   کرشمه خوانی همچون کوکیت ری ناز

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
جمیل	joli	زیبا	Beautiful

غمزه

غمزه	caresse	کرشمه	Blandishment
دلال	tandresse	ناز الغنجار	Coquetry

شکار گیم تن پنجه بیک چه منقار   چو بال و ونیگ بود هاک اشکاری باز.

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
صید	la chasse	شکار نخجیر	Game
مخلب	serre	پنجه	Talon
منقار	bec	نک	Beak
جناح	aile	بال پر	Wing
صقر	épervier	باز	Hawk

~~گروت و اسپرگوز او ترنپ بمین   گزر شماری و هلیون و شلغم است و باز~~

گرّت چو اسپرگس ترنیپ است بازبین
بمعنی گزر و مارچوبه لفت و پیاز

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
جزر	la carotte	گزر	Carrot
هلیون	l'asperge	مارچوبه	Asparagu
سلجم	le navet	شلغم لفت شلم	Turnip

بَصَلٌ   پیاز   oignon   Onion

قطعه فی ایام الاسبوع

ایام هفته را ببرانی که هفته و یک — یکشنبه سندی است و دوشنبه چو مندی است
روز سه شنبه را بشماری تیوزدی — روز نشاط و خرمی و نوبت می است
پس اربعا است ونزدی و ترزدی خمیس — جمعه فریدی است که او از بس ودی است
شنبه ستردی است برای مسافرت — از گفته رسول که روز نکو پی است

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
اُسبوع	semaine	هفته	Week
الاحد	dimanche	اوّل / یکشنبه	Sunday
الاثنین	lundi	اهون / دوشنبه	Monday
الثلاثاء	mardi	جبار / سه شنبه	Tuesday
الاربعاء	mercredi	دبار / چهارشنبه	Wednesday
الخمیس	jeudi	مونس / پنج شنبه	Thursday
الجمعه	vendredi	عروبه / آدینه	Friday

السبت

السَّبْت	samedi	شیار / شنبه	Saturday

فی بحر الخفیف

ای ترک بده می مغانه — با نای و نی و دف و چغانه
مفعول و مفاعلن فعولن — شد بحر خفیف در ترانه
کاهو لیتیش و ملبری توت — واترملن است هندوانه

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
خَسّ	laitue	کاهو	Lettuce
فرصاد	mur	توت	Mulberry
فجّ	pastèque	هندوانه	Water melon

لوکین گلس است نام مرآة — لاک است و کوم است زلف و شانه

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
مرآة	glace	سجنجل / ناوَیَه / آیینه	Looking-glass
صُدغ	~~chevelure~~ serrure	کلاله / زلف	Lock
مشط	peigne	شانه	Comb

داني پلزنت را خوش وخوب مين ذلت وايج را زمانه

عربي	فرانسه	پارسي	انگليسي
	~~bon - bonne~~ agréable	خوش خوب	Pleasant
ذلت	bas	خواری	Mean
زمانه	age	روزگار . كيهان	Age

زود ست چو سون وسد پشيمان . خواني پريتنس را بهانه

عربي	فرانسه	پارسي	انگليسي
عجل	vite	زود	Soon
سدان ندمان	repenter	پشيمان	Sad
عذر	prétexte	بهانه	Pretence

بيل ست برات چون مني پول گوئي ترژور را خزانه

عربي	فرانسه	پارسي	انگليسي
برات	mandat	كاغذ زر	Bill
ورق فلس	monnaie	پول	Money

خزانه

عربي	فرانسه	پارسي	انگليسي
خزانه كنز	fortune	گنج پوته	Treasure

بشقاب پليت وبول كاسه انت است چو مور وهول لانه

عربي	فرانسه	پارسي	انگليسي
ديشق	assiette	بشقاب . تشتی	Plate
كاس قصعه	bol	كاسه	Bowl
نمل ذر	fourmi	مور	Ant
قرية	trou	لانه	Hole

كوشين وپيلو نشان بالش فرش است فلور وهوم خانه

عربي	فرانسه	پارسي	انگليسي
منبذه وساده	coussin	بالش بالين	Cushion Pillow
فرش	tapis	هر چه گسترند	Floor
بيت	maison	خانه	Home

استير وستپ است بر شد پله مرقاه ورطوبت وستانه

عربي	فرانسه	پارسي	انگليسي

مرقاة قصفه escalier پله پغنه Stair

رطوبت نداوت humidité تری نم Sap

وصید عتبه seuil بستانه آستانه Threshold

~~باشی کودک وچون زن است~~ ووَمَن لی را شمر زنانه

بائ چه ولید ومرءه ووَمن

عربی فرانسه پارسی انکلیسی

ولید کودک marmot Boy

مرأة قعیده زن femme Woman

زنانه féminin Womanly

سیلی سلپ است چون دهن موث فیست است چو مشت جا است جانه

عربی فرانسه پارسی انکلیسی

صفع سیلی soufflet Slap

فم دهن دهان bouche Mouth

مشت اذر poing Fist

ذقن menton جانه منه Jaw

غول است چو طیر آبات پنجه نت دام بود گرین دانه

عربی فرانسه پارسی انکلیسی

طیر مرغ poule Fowl

مخلب patte پنجه چنگال Paw

فخ شبکه شرک filet دام تله جال Net

بزر دانه grain Grain

گرلیک سیر است و پستل دسته پس مارتر را شناس یا نه

عربی فرانسه پارسی انکلیسی

فوم سیر ail Garlic

منحاز pilon دسته یاور Pestle

هاون مهراس mortier یانه Mortar

تون است قصبه چون ویلیج ده مرچین شمری هی کرانه

عربی فرانسه پارسی انکلیسی

قصبه ville شهرخورد تومن Town

قَرْیَه کَفْر	دِهْ کَلاتَه	village	village
خانِق	کَرانَه کَنارَه	marge	Margin

فی بحر الرجز

از بوی زلف یاردی شد خانه ام رشک تبت ‌ و ندر حساب بوسه اش صد را فتادم با غلت

مُسْتَفْعِلُن مُسْتَفْعِلُن مُسْتَفْعِلُن مُسْتَفْعِلُن ‌ خوانی تو در بحر رجز پروانه ات خفاش بت

عربی	پارسی	فرانسه	انگلیسی
فَراشَه	پَرْوانَه	papillon	Moth
خَفّاش	شب پره خُشُوز بیواز	chauve-souris	Bat

آغوش ابهام بهم تابوت کافین قبر توم ‌ قالی است گر بنیت کردست چون بوریا ‌ بر امبریس

عربی	پارسی	فرانسه	انگلیسی
	آغوش بَغَل بَرْ	embrasser	Embrace
اِبْهام	اَنگشت بزرگ	pouce	Thumb
تابوت	جَنازَه کاهوکُب کاهو	cercueil	Coffin
قَبْر جَدَف	گور	tombe	Tomb

قالی

قالی	شادُوَرْد	tapis	Carpet
غُبار عَجاج قَتَرَه	گَرْد	poussière	Dust
بارِیّ	بُوریا بَلاج	natte	Mat

خوان اقربا بالکیست نیدر رو باشد قربان کنند وان نامهربان ‌ و یکیم چو قربانی بود اثل است روغن چرب رفت

عربی	پارسی	فرانسه	انگلیسی
اَقْرِبا	خویشاوند	parent	Kindred
	نامِهْرَبان	inaffable	unkind
قُرْبانی ذَبیحَه	بَرْخی گریان	sacrifice	victim
سَمْن	اِرْث رَوْغَن	huile	Oil
دَسَم وَدَک	چَرْب	graisse	Fat

وادی قُلّی چون قلّه ینبوع فان تین هتیل ‌ نبیرنت بار و خصم ...

عربی	پارسی	فرانسه	انگلیسی
وادی	خُشْکرود فَرْغَز	vallée	valley
قُلّه قُنّه	شِمْراخ سَرکوه چَکاد	sommet	Ridge

عَیْن یَنْبُوع la source چشمه Fountain

تَلّ collin تپّه Hill

حَیَّة خَغَش اِیَ serpent مار خالُم Serpent

خَصْم ennui دُشْمَن Foe

اِبْرَه aiguillon نیش Sting

خَمُوش cousin پَشّه Gnat

پان یزد دشنه تیز پ تیرون سلحه کند دل پشه ابنار گزین توده هیپ دنب است تیل و موش رت

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

خَنْجَر poignard دَشْنَه Poniard

حَدید مُذَرَّب pointu تیز تند Sharp

اَسْلِحَه مُونیات arme جانه Weapon

کَلِیل فَلّ گهام lourd کُند Dull

اَنْبار depot جابش Maxin

tas تُوده Heap

ذنب

[illegible]

ذَنَب queue دُنْب دُم Tail

فَرْنَب فُوَیْسِقَه rat موش مرز Rat

اِسْپایل غارت جرم گیلت ابلیج مِنّت قُرعه لات پس ز بارش شور دان هموار ایون فلت

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

غارت نَهْب pillage تاراج تاخت Spoil

جُرْم تقصیر pecher گناه Guilt

مِنَّت obligation Oblige

قُرْعَه loterie پِیْشَک Lot

هاطِل طَلّ verse بارش نرم اژکاک Shower

مُسْطَح plain-e هموار Even

اسپون قاشق چنگال فارک چمن آمیزان خوانی ضیافت نگوبیت کیس بوسه و بیاشیت

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

cuiller قاشق Spoon

fourchette چنگال Fork

[illegible]

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
	hôte	میزبان	Host
ضیافت، مأدبه، ولیمه	fête	مهمانی، جشن	Banquet
قبلة	baiser	بوسه، باچ، شفتالود	Kiss
جدیر، حری، لایق	convenable	شایسته، سزاوار، اندرخور	Pat

هرت آهوی نر ماده بورم قوچ خوانی میش . بتیچ آمد چون ماده سگ حجر است مادیان گت

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
ظبی	cerf	آهوی نر	Hart
ظبیة	chevreau	آهوی ماده	Roe
کبش	bélier	قوچ	Ram
ضأن	brebis	میش	Ewe
کلبة	chienne	ماده سگ	Bitch
حجر	jument	مادیان، رمکه	Mare
قط، خیطل	le chat	گربه، میلی	Cat

بیدار او یکن بذر رسید رؤیا دریم و غنچه بذ . بیمار سک حمی وی چون قال و قیل یاوه حت

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
سهران، یقظان	éveil	بیدار	Awake
بذر	grain	تخم، دانه	Seed
رؤیا	rêve	گوشاب، بتاب	Dream
برعوم	bourgeon	غنچه، بوژنه	Bud
مریض، مدنف	malade	بیمار، رنجور، افگار	Sick
حمّی، امّ ملدم	fièvre	تب	Fever
قال و قیل، هجر	causerie	سخنان، یاوه، دلهیری	Chat

شلوار باشد پنلون مخلاة بگ سنجاق پین . یک قسم باشد ارکلا کلاه و ایمی کو بید هت

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
سراویل، رانان	pantalon	شلوار، رانین	Pantaloon
مخلاة	sac	توبره	Bag
	épingle	سنجاق	Pin
	chapeau	قسمی از کلاه فرنگی است بر شبیه کلاس	Hat

[illegible]

بنوشت رُوت آویخت هنگ پوشید وُر برگرفت توک بفروخت سُولد برخواست رُوز ببرید تُورن بست

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
کَتَبَ	écrit	بنوشت	Wrote
سَدَلَ	accrocha	آویخت	Hung
لَبِسَ	porta	پوشید	Wore
اَخَذَ	prend	برگرفت	Took
بَاعَ	vend	بفروخت	Sold
قَامَ	éleva	برخواست	Rose
خَرَقَ مَزَقَ	déchira	بَرید بدرید	Tore

جلس قعد
کُلّ آل اَوبعض سَم هیچ اِنی شُوبه ایهاست دیز اَنها دُوز این اَیست ذِس اِن اَت ذت

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
کُلّ جَمیع	tout	همه	All
بَعض	plupart		Some
مَعدُوم لاشَیْء	rien	هیچ هیلش	Any

تبّاً چه فی اَهْلاً چه هیل خاموش هش آخ پیش اَسفل بلو تخمین اَبَوت فی ولدی کردیدا ات

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
کَذا	aussi	چنین	So
هٰؤلاءِ	ceux	اینها	These
اُولٰئِکَ	ceux-là	آنها	Those
هٰذا هٰذِه	ce, cet, cette, ces	این	This
ذاکَ ذٰلِکَ	celui-là	آن	That

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
تَبّاً	fi-donc!	نفرین	Fie
اَهلاً	salut!	آفرین آباد	Hail
مَه اکفف	chut!	خاموش	Hush
اُفّ	bah!	آخ	Pish
اَسفَلَ	bas	پائین	Below
تَخمین	autour	اِنگاره	About
فی لَدَی	dans	دَر اَندَر نَزدِمَن	At

آیا هو دروغی مرا هرچند دو دایم اور ذین همچنین و بس آنجا ذیذا ذاهوت

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
هَل	est-ce-que	آیا	Whethere
لی	me - moi	مرا	Me
وَلَو	quoique	هرچند	Though
دائم مُدام	toujours	همیشه همواره	Ever
هکذا	aussi	همچنین	Thus
کفی حَسْبُ	ça suffit	بس	Enough
هُنا	là	آنجا	Whither
ماذا	qu'est-ce que c'est ~~c'est quoi~~	چه چیزست چیست	What

فی بحر الرمل

دل و دین عشق توام داده بباد — نیست جز وصل توام هیچ مراد

فعلاتن فعلاتن فعلات — از رمل باشدم این قطعه بیاد

بهر شاگرد که استو دشت — ~~بهر آنکه بمعنی استاد~~

استو دشت شاگرد — تیو تر و تیچر استاد

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
تلمیذ	l'élève	شاگرد میلاو	Student
معلّم	maitre	استاد	Tutor teacher

گفت اکسنت مر آن قوت صوت — حرکت را سلبل نام نهاد

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
قوّت صوت	accent		Accent
حرکت	~~mouvement~~		Syllable

ساورین پادشه و نوبل نجیب — ~~دیسنت و اریجن اصل و نژاد~~ هست دیسنت و اریجین چه نژاد

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
مَلِک کسری	roi	پادشه شهریار	Sovereign
نجیب	noble	گوهری	Noble
اَصل نسب	la race	نژاد گوهر	Descent-origin

تیرنی ظلم و چو ظالم تیرنت — داد گر جسْت بود جستیس داد

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
ظلم ضیم جور	injustice	ستم ستهٔ	Tyranny
ظالم	tyran	ستمگر	Tyrant
عادل	juste	دادگر	Just
عدل انصاف	justice	داد	Justice

اور پرست و میر بخل و بخیل . لیبرلتی لیبرل جود و جواد

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
بخل	avarice		Avarice
بخیل	misère	بنکاره زفت	Miser
جود	don	بخشش	Liberality
جواد سمح	libéral	جوانمرد راد	Liberal

کریای ار تشمری خالق و پیپل چون کریچورس و پیپل است عباد (معنی)

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
خالق دهر باری نفوس	createur	آفریننده جهان	Creator
عباد خلق وری انام	creature	بندگان آفریدگان	Creature / People

پی

نیشن امت چو اپاسل وخشور ، ایز رحت لیبر تید آزاد

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
امت	nation	پروشان هاوش	Nation
نبی	apôtre	وخشور	Apostle
رحت	paix	آسوده	Ease
حر مطلق العنان	libre	آزاد	Liberated

وونڈ زخم ست و پلستر مرهم ، پین درد است و گرون ناله و داد

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
جراحت قرح	blessure	زخم ریش و آلانه	Wound
ضماد مرهم	plâtre	ملغم	Plaster
وجع الم	douleur	درد	Pain
انین عویل	gémissement	ناله واد	Groan

~~نقش حج پکچر و پینٹر نقاش~~ صید جیس است چو ہنٹر صیاد

پکچر نقش و چو پینٹر نقاش

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی

نقش peinture نگار Picture

نقاش peinte نگارگر Painter

صید قنص chasse نخچیر شکار Chase

صیاد قناص chasseur نخچیرگر Hunter

این رباط است وگر نیست رواج   نات گر نیست است بمعنی کساد

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

رباط خان auberge غوشاد کاروانسرا Inn

رواج courant روا Current

کساد مندک Not-current

شیپ قالب بود و صاف کلیر   آرچ طاق است و پلر است عماد

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

قالب forme اندازه Shape

صاف lumière روشن Clear

طاق plafond Arch

عماد

عماد اسطوانه colline اُشتُن ستون Pillar

شیت چادرشب و کرتین پرده   استرانگ است قوی سایل لاد پلم

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

مجبش مقرم feuille چادرشب بستر آهنگ Sheet

خدر سدل ستر rideau پرده شادروان Curtain

قوی fort زورمند Strong

تراب بری le sol لاد خاک پلم Soil

ولچیور کرکس و ~~نسر و لپوزیم~~ و قو است سوان   دک مرغابی و کیت آمده خاذ

عربی فرانسه پارسی انگلیسی

نسر قشعم vautour کرکس Volture

قو amadou Swan

بط اوز canard مرغابی Duck

خاذ milan غلیواژ Kite

دو خمیر است و فلار است چوآرد   راند پیرامن و تاپ است چکاد

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
خمیر	pâte	عجین	Dough
دقیق	subtile	آرد پیت	Flour
	ronde	پرامن گرد گرد	Round
قله	cime	چکاد کله کوه	Top

سا نیز اندازه و آلو نیز مدام فاین نیکو بود و یارپ امداد

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
قواره	grandeur	اندازه	Size
مدام	toujours	دایم همیشه جاوید جاودان	Always
جمیل	beaux	حسن نیکو	Fine
امداد	aider	یاری کردن	Help

بنت پیچید و چو رنگ است فشرد کم چون آمد و استد ستاد

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
لف	plier	پیچید	Bent

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
عصر	presser	فشرد افشرد	Wrung
جاء	vint	آمد	Came
قام	être debout	ستاد استاد	Stood

~~لت نایت است شب پیش ولدی~~ خانم ولد پسر و بز براد

لت نایت است جه جشن ولیدی

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
اللیلة البارحة	avant hier	شب پیش دوش دوشینه	Last night
سیده	madame	خاتون خانم بی بی	Lady
ابن	le fils	پسر	Lad
ولدت	depouiller	براد	Bare

في بحر المجتث

بنوش باده یاقوتی از کف جانان که ساعتی بماند تا ز رنج جهان
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلات ز بحر مجتث این قطعه را کنیم بیان
مبین تنگ معنی گاند حروف ترش قلمرا اش چون تیغ و فیل دان شو بان

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
	la table	میز	Table
کُرسی	Chaise		Chair
غَریب	Etranger	غَرَر فی شهر بیوآره	Foreign
ضَیف	hôte	مِهمان	Guest

نتّ وامنه تو با میزل هم گرگان انتسا
سرگردو بادام و فندق و رمان

~~اَمَنْد و روز بِر اَفَنْدَق ست دو نام گردو~~ ~~چنانچه هم گرانیست در لغت رمان~~

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
لَوز	amande	بادام	2 Almond
فُندُق	noisette	گلوز	3 Hazel
جَوز	noix	گِردو گوز گِردکان	1 Nut
رُمّان	granade	آنار	4 Pomegranate

کافی است قهوه و مِیلک است شیر و بُن جام سائر چو نعلبکی گشته کپ پو و فنجان

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
قَهوَه	le café	بَن	Coffee
لَبَن	lait	شیر	Milk

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
مَعنی	signification	خواسته	Meaning
کاغَذ	le papier	قِرطاس کاغذ	Paper
حُروف	la lettre		Letters
الماس	le canif	قلمتراش	Pen-Knife
مِبرَد	lime	مِسحَل سوهان	File

حکایت اِستوری است و چو هِستری تاریخ لغت چو دِکشنری ری لَنگوِج هست لسان

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
حِکایَت	conte	قِصّه افسانه	Story
تاریخ	histoire	ماه روز باستان	History
لُغَت	dictionnaire	فرهنگ	Dictionary
لِسان	la langue	زبان	Language

فروت میوه و میز است تیبل کرسی چیر فارین غریبه شمر گست را بگو مهمان

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
فاکِهَه	le fruit	میوه شایه	Fruit

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
جام	basin	جام، آبخوری	Basin
	la soucoupe	نعلبکی	Saucer
فنجان	la tasse	پنگان	Cup

گریس چربی و لحم است میث و شحم پیه   چو خام آبود و ~~تشت آبخوان~~ زبان

عربی	پارسی	انگلیسی

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
دسومة	graisse	چربی	Grease
لحم	la viande	گوشت، خوآ	Meat
شحم	suif	پیه	Tallow
نیّ، برق		بره	Lamb
نیء، انیض	cru	خام	Raw
شوی، حنیذ	rôtie	بریان	Toast

معدل است اکوینوکشل بو چو میلکی وی   مجره باشد و در فارسی است کاهکشان

عربی	فراسه	پارسی	انگلیسی
معدل	Equinoxial		Equinoctial
مجره	voie lactée	کاهکشان، آسمان دره، کاه کشان	Milky-Way

شناس دایره سرکل چو کامپس پرگار   شمار مرکز سنتر چو میدل است میان

عربی	فراسه	پارسی	انگلیسی
دایره	cercle	چنبره	Circle
فرجار	compas	پرگار، پرگال	Compasses
مرکز	centre		Centre
وسط	entre	میان	Middle

دت است وام و دیتر وام دار و بیتر تلخ   میوت خامش و ساوند است صوت و ساین نشان

عربی	فراسه	پارسی	انگلیسی
دین، قرض	dette	وام	Debt
مدیون، مقروض	débiteur	وام دار، بنکک	Debtor
مر	amer, ère	تلخ	Bitter
ساکت	silence	خامش، خاموش	Mute
صوت	chanter	آواز	Sound
علامت	signe	نشان	Sign

اَشِز رماد و بِلوس منفخ و مقص سزرز چو سیف امن بود سوط لش پلیس مکان

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Ashes	خاکستر	cendre	رماد
Royal	رنگ	royal	حضرتی
~~Bellows~~	~~دم~~		منفخ
Scissors	ناخن‌بر قیچی دوکارد	ciseau	مقص مقراض
Safe	ایمن	sureté	امن
Lash	تازانه تازیانه	fouet	سوط جلده
Place	جای گاه و غیره	endroit	مکان محل معان

بکوی جار همسایه اثر ز اوارث چنانچه رانگ غلط فاركت است مر نسیان

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Neighbour	همسرایه همسایه	la voisin	جار
Heir		heriditaire	وارث
Wrong		faute	غلط غلت
Forget	فراموشی سهو	distraction	نسیان

خیال فنسی و مات ست فکر و مایند خرد گوئسشن است سؤال و پروف برهان

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Fancy	اندیشه بند	imagination	خیال
Thought	سگال	pensée	فکر
Mind	خرد فرهنگ	esprit	عقل
Question	پرسش	demand	سؤال
Proof	دلیل نخشه	raison	برهان حجت

کلاث است چه ماهوت اطلس است ستین چنانچه سیلک ابریشم بود لینن کتان

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Cloth	کلاث پارچه بزازی را گویند [illegible]	etoffe	
Satin		satin	اطلس
Silk	کژ ابریشم بریشم	soie	ابریسم دمقس
Linen	لت	chanvre	کتان

تو فرز شمری پیچ هم بفرد و جمع چنانچه دیر بود هم غزال و هم غزلان

[illegible]

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Ditch	گرگف	pente	قیر
Deer	آهو آهوان	daim	غزال غزلان

یکی گوید است چو معشوق عاشق است تاز گی است آدم عیاش و چیلید بر صبیان

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Beloved	جانان تاز	bien-aimé	معشوق
Lover	عاشق خاش	amant	عاشق
Gay	خوشگذران	gai	عیاش
Children	کودکان	enfants	صبیان

ریسمیت قین و چو گزین تر آمده نجار همر چو تبک بود و انول است مر سندان

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Smith	— آهنگر نهاین	forgeron	قین حداد هبرقی
Carpenter	درودگر	menuisier	نجار فیتق
Hammer	تبک خایشک	marteau	فطیس مطرقه

علاة

Anvil	سندان	l'enclume	علاة

گران بها ست پی ثمین زبرجد است توزی جم است جمله جواهر گاره بود مرجان

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Precious	گران بها بهاور	cher-e	ثمین
Topaz		la topaze	زبرجد
Gem		bijou	جواهر
Coral	کاه بسد	corail	مرجان

و ذره هوا و عناصر شمر همی الیمنشن مغاره کهف شناسی و بیت حیوان

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Weather	جو سکاک پناد هوا	l'air	هوا
Elements	آخشیجان دشمیر	elements	عناصر
Cave	کهف شکفت کاباره گویه	Cave	مغاره
Beast	جاندار	~~animal~~ bête	حیوان

شراع اکستیل و سفینه است کشتی و بیت و آنور نجار و زبد و فم چون فلک طوفان

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Sail	بادبان	voilure	شراع قلع
Ship	کشتی	navire	سفینه جاریه خلیّه
Mast	دگل	mât	دقل
Vapour	خرم [?] زم [?]	vapeur	بخار
Foam	کف	l'écume	زبد
Flood	تیر [?] توفان	tempête	طوفان

شمار دوم رحم کلیتین را گید نیز   چنانچه ساعد است و بون استخوان

[illegible]

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Womb	زهدان بوگان بوهان [?]	matrice [?]	رحم
Kidneys	گرده	les reins	کلیتین
Wrist	رش	avant bras	ساعد ذراع
Bone	استخوان	l'os	عظم

شد انتظار بس کیت و اشک چشم بیز   چراغ لمپ و گوری تهمت بهتان

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Expect	بیوس [?] برفو [?]	attendre	انتظار
Tear	اشک چشم برشک [?]	l'arme	دمع عبره
Lamp	چراغ	lampe	سراج مصباح
		Accusation	بهتان تهمت

فلاک وهر دبود گله چو گشل العام ستور   چنانچه گشت بود فلید چون شبان زد بهتان

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Herd	گله	troupeau	قطیع
Cattle	ستور چارپایان	quadrupède	انعام
Field	کشت	labourer	زرع
Shepherd	شبان رهنمار [?]	berger	راعی

جگب چو حضرت یعقوب و لیوسف   چنانچه از یک اسحق و چون گرگ کنعان

انگلیسی	پارسی	فرانسه	عربی
Jacob		Jacob	یعقوب

تاریخ روز جمعه پانزدهم شهر شوال المکرم سنه ۱۲۷۴ هجری در قریه فشندک که از قراء قصبه طالقان قزوین است این نسخه بدیعه

نفیسه عجیبه حسب الحکم حضرت ولی النعم سرکار نواب اشرف والا نایب الایاله فرهاد میرزا روحی فداه بید بنده

ارادت بنیاد افقر علی بن محمد حسن ملقب بتاج الهدی غفی عنه صورت تحریر و اختتام پذیرفت و نسخه انگلیسی نیز هم ملاحظه

و بعد ضبط و چندین بار مقابله مرقوم شده و خالی از سهو و خطا نیست قطعی است که مطبوع طبع مبارک نخواهد بود

ولی از آنجا که تحریرش در هنگام فرار از وبای طهران و ظهور همین بلیه در قصبه قریه مزبوره شده و ارباب حواس

و طول سفر و کربت غربت قدری اطلاع دارند و میدانند که جمع قریب است و آن بعید از جوی که از عیوبش

اغماض فرموده قبول فرمایند که سهو و خطا و نسیان

لازم بشریت است والسلام

By meerza — علی تاج الهدی — Affrasiab

I have endeavoured to afford every assistance in my power to his Royal Highness Prince Ferhad Meerza in the English Translation etc. pronounciation of this book which I hope will be a valuable gift to him as written on 22D of July 1858

یوسف	Joseph		Joseph
اسحق	Isac		Isac
کنعان	Canaan		Canaan

حبش ابی‌سینیه است مر سادات پروشیه چو پروس است و در نسخهٔ ایران انگلیسی

عربی	فرانسه	پارسی	انگلیسی
حبش	Abyssinie	حبشه	Abyssinia
شام	Syrie	بقول بعضی‌ها ماوراء	Syria
پروس	Prousse	پروس	Prussia
عجم	Perse	ایران	Persia

بسال شصت و نه از بعد یکهزار و دویست — بروز شنبه بیست و شش از مه شعبان

بروز چارم از ماه جون که سال حساب — ثلث و خمسین هشت از هزار و هشتصدان

که بود زهره و خورشید و تیر در جوزا — دو نحس با مه در گاو مشتری بکمان

که روز شانزدهم بود از مه خرداد

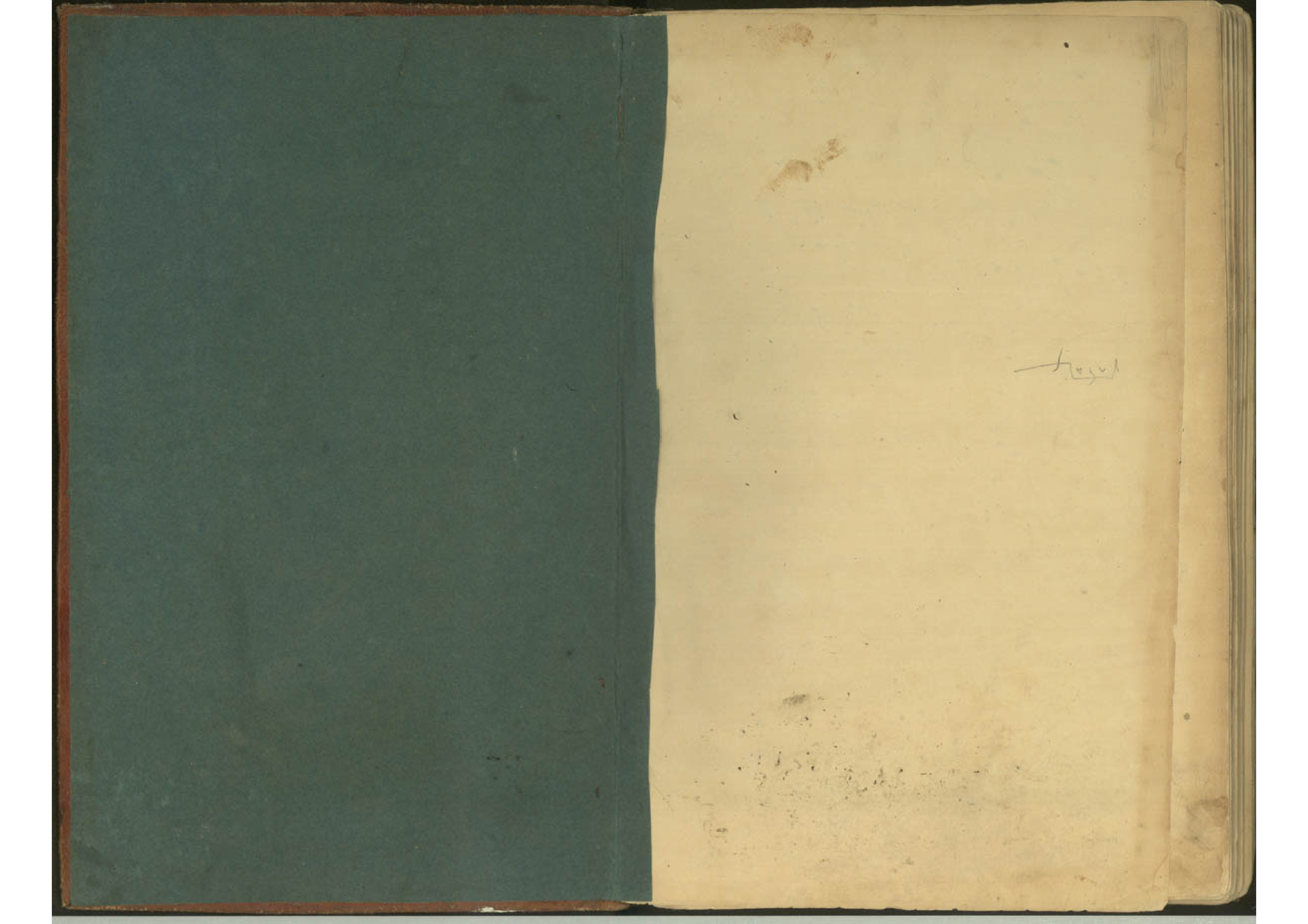
تمام گردید این شعر های نغز روان

the book blongs yo sulton ovays Meerza

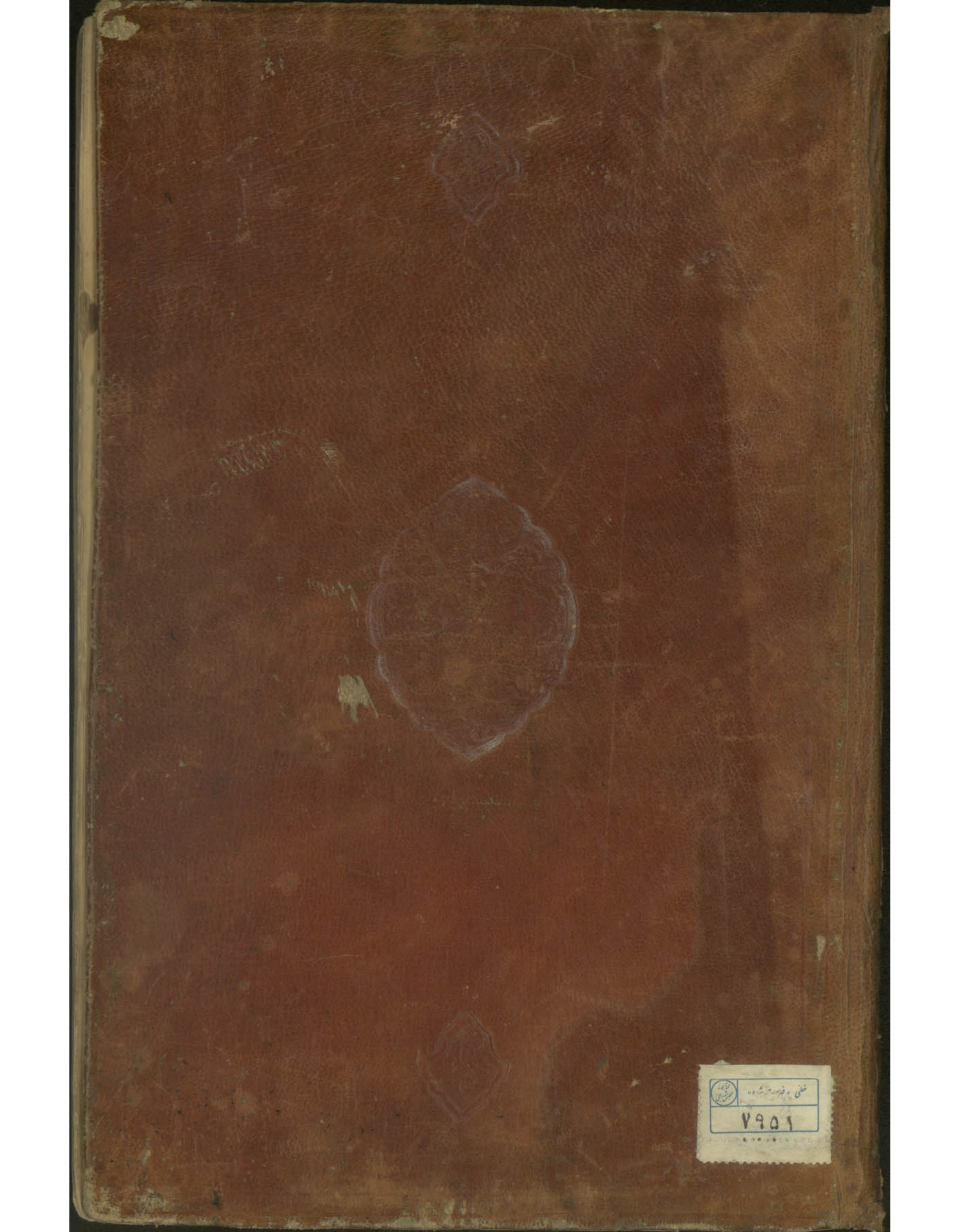
the book blongs yo
sulton ovays Meerza written
in the year 1853

September
Kc September
Kc

Jan dar mbarkd






خطی ... فهرست شده
۷۹۵۱